







احمد ازجاک سان الدین

[illegible]

از خط شریف آیة الله فی الانام حجة الاسلام جناب آقا میرزای
شیرازی دام ظله العالی است

بسم الله الرحمن الرحیم عمل باین مسائل انشاء الله تعالی عیب
ندارد و مسائلش مقابله داده شد حرره الاحقر محمد حسن الحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم



الحمد لولیه والصلوة علی نبیه وآله الطاهرین وبعد
آنکه مسطور در این اوراق مسائل متفرقه نافعه ایست که
این احقر فضل الله نوری در این مجموعه جمع نمودم و تمام آن
مستخرج از خط شریف جناب مستطاب حجة الاسلام
والمسلمین سیدنا الاستاد ادام الله ظلاله علی رؤس
العباد که در جواب مسائلی که از نواحی مختلفه رسیده

مرقوم

مرقوم فرموده اند اگرچه جمله از این مسائل صور مسائل
علیه ایشان بالفارسیة والعربیة مکتوب است لکن
چون چنین عبارات ایشان نامناسب المقلدین بل المجتهدین
زحمت نقل آن متحمل شدیم وامید اجر و ثواب است انشا
الله تعالی مسئله ۱ زوال عین نجاست از حیوان
طاهر غیر انسانی مطهر است یا نه جواب انشاء الله تعالی
بعد از زوال محکوم بطهارت است مسئله ۲ شخصی
مدتی نماز جماعت کرده و قصدش این بوده که اگر رکوع
بامام برسد نماز شرا بجهت نفس نمازش صحیح است یا نه
جواب اگر بهمان حاله منظور میاید صحیح است انشاء الله تعالی
مسئله ۳ شخصی نماز قضاء بر ذمه دارد و حالا قوه
ندارد که خود بکند آیا قبل از فوت خود میتواند نائب
بگیرد که بجهت نمازهای قضا جواب خیر نباید
بقدر مقدور خود بکند مسئله ۴ شخصی حج بگردن

نوشد

او است وقوة وتوانائی ندارد که بحج رود یا میتواند
نائب بگیرد در حیات خود جواب اگر بر او حج مستقر
شده بود و حالا پیر است و نمیتواند برود باید نائب بگیرد
و با همه اینها استقرار احتیاط شدید در استنابه است و
الله تعالی العالم مسئله زمین حوض و آب مباح
لیکن یک سمت حوض یا جرو اهل غصب بود درست شده
لیکن در وقت وضو گرفتن در سر حوض محل جلوس مباح است
و همچنین محل ریختن آب مباح است یا وضو صحیح است
یا باطل جواب اگر محل وضو و آب ریختن مباح است
و خارج از حوض و منحصر نیست آب در آب حوض که اگر
بخواهد آب دیگر هست که وضو بگیرد وضو صحیح است
و اگر آب را از حوض در ظرف دیگر کند اشکالی در صحت
وضو نیست مسئله زمین نجس که باران نمیگیرد
و آفتاب نمی تابد مثل تخته خانه یا باشد آب بر آن

تا فاضل

تا فرا گیرد و گذاشتن تا بخشکد سه دفعه پاکست یا نه

و بر فرض عدم طهارت چگونه باید پاک کرد بغیر کندن

جواب اگر سست است که غساله در ان میماند پاک

نمیشود باب قلیل و اگر صلبست دو مرتبه اب بر ان

بریزند تا مستولی شود و هر دفعه غساله اش را بگیرند

اگرچه باینکه گودالی در یک گوشه اش بکنند که غساله

در ان جمع شود بعد گودال را بخاک طاهر پر کنند والله

تعالی العالم مسئله افتاب زمین را که خشت و اجر

وسنگ فرش کرده است مطهر است یا نه و درب و پنجره وارسی

منصوب در حکم زمین است یا نه جواب مطهر همه

اینها است مسئله اشیاء مایعه مضافه مثل گلاب

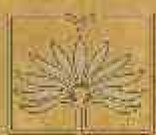
وشیر و امثال اینها اگر بر وجه تسنیم باشد نجاست

از تحت بفوق سرایت میکند یا نه مثلا از گلاب پاش

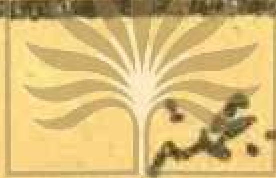
بدست کافر گلاب میدهند گلاب پاش پاکست یا نه

جواب





جواب مرحمت میکنند والله العالم مسئله ۹ در
بلادیکه عادل کم بهم میرسد و شقاق هم بین الزوجین بهم میرسد
که لابد است از طلاق و چه باید کرد و طلاقی که اهل سنت
میدهند باین نحو که میگوید مطلق بزوج بفارسی که
تو زوجه خود را مطلقه به طلاق کردی زوج میگوید
بفارسی بلی آیا چه صورت دارد جواب در طلاق حضور
دو عادل معتبر است طلاق و در شرایط دیگر رجوع بمسائل
دیگر نمایند که عادل در او باشد و طلاق اهل سنت
شیعه نمیتوانند اکتفا کنند طلاق بدهند بلی با طلاقی که
آنها بطریق خود و آنچه شرع آنها است زنهای خود را
طلاق گویند ما معامله طلاق صحیح میکنیم یعنی بعد
از انقضاء عده تزویج میکنیم آن زنها را بجهة خود و
بجهة غیر خود مسئله ۱۰ شخص میداند که طلاق در حضور
عدلین که داده اند عادل نیستند آیا میتوانند آن ضعیفه را



بجهة خود یا جهة غیر عقد نماید یا نه جواب نمیتواند

مسئله بلکه کرا آب رودخانه دارد آیا هر کس میتواند

شق نهر نماید و آب را بجهة اراضی خود ببرد بدون اذن حاکم

شرع یا موقوف بر اذن حاکم است جواب ظاهر این است که

شق نهر از رودخانها توقف بر اذن حاکم نداشته باشد

اگر مانع دیگر نداشته باشد مسئله نماز صبح شخصی

قضا شده است و قضاء دیگر ندارد آیا باید قبل از

نماز ظهر و عصر قضاء صبح را بخواند یا نه و همچنین

قضاء ظهر و عصر بالنسبة بمغرب و عشاء جواب

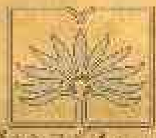
لزومش معلوم نیست اگرچه موافق احتیاط است لکن

اکتفا همین نماید که در وقت بجا آوردن قضاها

این را نیز در محل خودش بکند مسئله بلکه

که بعض اشخاص قائلند که شیعه اگر زنا و لواط و ترک

نماز و قمار و سایر معاصی را بکند و بی توبه هم بمیرد اهل نجات است

زیرا که شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله شامل
حال او است و اگر این مناهی را مرتکب نشود خود از اهل
نجات نیست و محتاج بشفاعت نخواهد بود یا با این طایفه
ملاقات برطوبت جایز است یا نه جواب جایز است
چون معلوم نیست این مقاله کفر باشد **مسئله ۱۴** در بلدی
ظن بنجاست غالب مردم هست ولی در اجتناب عسر
شدید است آیا هجرت از آن بلد واجب است یا نه جواب
بمجرد مظنه حکم بنجاست نمیتوان نمود **مسئله ۱۵**
در بلدی قصاب اهل سنت است و کردن گوسفند را نمی شوید
و بهمان کارد که سر می برید پوست میکند و قطعه قطعه
کرده میفروشد شخصی از همان گرفته و طبخ کرده و نمی
دانیم که گوشت را تطهیر شرعی کرده یا نه و شخصی را
بضیافت میطلبد آیا خوردن آن طعام جایز است یا نه
جواب جایز است مادامی که علم بنجاست نداشته باشد

مسئله



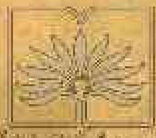

مسئله تولی طرفی العقد جایز است یا نه وعلی الثانی
هل یختص بعقد النکاح ام یجری فی کل العقود جواب
در نکاح محل احتیاط است ودر باقی عیب ندارد ١٧ م
ظرف ماست بسته فضله موشی دروی افتد ایا ماست
نجس است یا نه وهکذا روغن بسته جواب فضله وبعضی
از اطراف را بردارند باقی پاکست ١٨ مسئله ضب که
بفارسی اورا چلپاسه میکویند وضفدع که بفارسی
قورباغه کویند اهل نفس سائله اند یا نه ومیته ایشان
پاکست یا نجس جواب پاکست ١٩ مسئله مرغی
که نمیدانند حلال کوشتست یا حرام کوشت با آن نماز
کذاردن چکونه است وهکذا استخوان جواب بعید
نیست که جایز باشد اکرچه احتیاط در اجتناب است
٢٠ مسئله محمول نجس که در جیب نمازکذار باشد مثل
فلوس وقران وقمری که نجس باشند چکونه است جواب

در انچه صدق کند که نماز در ان کرده احتیاط نماید
و انچه صدق نمیکند مثل انکه در قلمدانی باشد و در دست
که عیب نداشته باشد مسئله ۲۱ در واجبات تخییریه
مثل وجوب حمد نماز و تسبیح اربعه در رکعت سیم و چهارم
و ذکر صغیر و کبیر در رکوع و سجود جمع بینهما جایز است
یا اینکه یکی را بقصد وجوب یکی را بقصد قربت بخواند یا نه
جواب ۲۱ و اولی ظاهر است در رکوع و سجود و لکن در حمد
و تسبیح احتیاط کند باینکه اگر تسبیح خواند حمد نخواند
مسئله ۲۲ در نماز وحشتیه عدالت معتبر است یا نه
هر کس میتوان داد جواب ۲۲ عدالت در اصل فعل معتبر
نیست چه مضایقه که معتبر باشد و توقف خاطر جمعی
بحصول فعل از برای کسیکه مکلف باشد بتحصیل صلوة
بوجه مخصوص که او وا داشته که تحصیل نماید مسئله ۲۳
شخصی بعد از هر ترتیب تسبیح اربعه استغفار هم بگوید

در بین

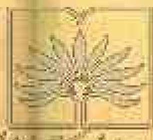
در بین استغفار شک میکند که سه مرتبه تسبیح گفتم
یا نه باید بر گردد یا این شک بعد از محلست اعتنا نکند
وهکذا بعد از تکبیر جهت رکوع شک در سوره جواب
در تسبیح معلوم نیست که شک بعد از فراغ باشد بنا
بر وجوب سه تسبیح بلکه مطلقا چون تعدد مستحب هم جاریست
واحوط اعتناء بشک است اگرچه عادت شرع هم این باشد که
استغفار را بعد از فراغ از تسبیح میخوانند لکن در سوره
وتکبیر بعید نیست که بعد از فراغ باشد مسئله ۲۴
شخص قبل از وقت شروع کرد بوضو بقصد قرائت
قرآن مثلا در بین وضو وقت داخل شد وضو صحیح است
یا باطل وهکذا طفل شروع در نماز کرد بقصد قربت
در بین نماز مکلف شد نمازش صحیح است یا باطل
جواب وضو صحیح است لکن طفل اعاده نماید وفرق
دلیلی ندارد مسئله ۲۵ نماز خسوف و کسوف را





قبل از انجلا باید خواند یا بعد از شروع در انجلا یا مطلق
مخیر است **جواب** از اول شروع در گرفتن وقت
تا آخر انجلا اگرچه احوط آنست که قبل از شروع در انجلا
بخواند و تاخیر نکند **مسئله ۲۶** در بلدی سادات فقیر
بسیارند و سهم سادات کفایت مخارج ایشان نمی‌کند
و در بین راه هم احتمال بلکه ظن تلف است سهم امام را
بخارج بلد بردن جایز است یا باذن وکیل مجتهد بسادات
همان بلد باید داد و بر فرض عدم وجود وکیل چه باید کرد
جواب موکول است بنظر مجتهد چه بسا هست در بلد
دیگر سادات مضطرند بآن قسمیکه اهم است بآنها
رساندن **مسئله ۲۷** سید جهت مخارج عروسی یا ختنه
سوری و یا زیارت عتبات میتواند خمس و سهم امام
بگیرد یا نه و اگر سید مخارج دو ماه خود را دارد میتواند
مخارج دو ماه دیگر را از سهم سادات و سهم امام ع





بگیرد یا باید صبر کند تا تمام شود جواب میگیرند
جمیع صور مذکوره ۲۸ مسئله سید مخارج سال خود
را قادر است تا ما بقی را بخمس بدهد یا میتواند سهم سادات
و سهم امام ع بگیرد و توسعه بر خود بدهد یا نه جواب
بگیرد و توسعه بدهد بدون اسراف و زیاده روی
۲۹ مسئله حوض آب نجسی دارد و سقف پوشیده است
لکن فرجه دارد که باران بحوض میبارد آیا حوض پاک
میشود یا نه جواب اگر بقدر معتد به باران بر حوض
بببارد در اثناء باریدن برهم زند آب حوض را که خرج
شود پاک میشود ۳۰ مسئله حوض آب اطراف بیرون آن
نجس است بدست آب را لطمه میزنند که اطراف را فرا
میگیرد پاک است یا نه و علی فرض الطهارة هل یلزم
التعدد ام لا جواب با استواء سطح یا عدم خروج
از وحدت طهارت حاصل میشود و در جائیکه حاجت
بتعدد

بنجاست است در جاهای دیکر بقدر سه اثر لک نمایند
اجتناب نیز مسئله ۳۱ کربه موش بخورد یا غذای نجس دیکر
و احتمال طهارت هم ندارد آیا بزوال العین پاک میشود دهان
او یا نه و بر فرض احتمال طهارت هم که بر زبان آبرا نجوید
تربد دهان فلا یحتمل الطهارة فی حقها فکیف یطهر فمها
جواب طاهر است انشاء الله تعالی مسئله ۳۲
اسب و الاغ و امثالهما که پشت آنها زخم میشود و خوب
میشود آیا پاک است یا محتاج بشستن است و علی الثانی
فکیف یطهر جواب پاک است انشاء الله نعم مسئله ۳۳
در غالب بلاد که حمامها آب چاه است در سر راه حوض
دارند و کر است و از آن حوض بتدریج آب داخل خزینه
میشود بسبب... اکر خزینه نجس باشد پاک میشود
یا نه جواب با استواء سطح یا صدق وحدت عرفا و مزج
آب پاک است مسئله ۳۴ در بلده بعضی از اهالی شهر

دارد از دهان شیر ابهم بریده بعضی شیر ولی ابدانها
شیر متصل است ابهم شده پاکست یا نه جواب
پاکست مادام که متصل است مسئله ۳۵ هر گاه زوج
فوت شده و یکی زوجه ذات ولد دارد و یکی زوجه غیر
ذات ولد آیا ثمن چگونه میبرند و در صورت اختصاص به ذات
ولد آیا مطلقا از همه مخلفات ثمن میبرد یا فرق بین او
و غیر ذات ولد نیست جواب ربع ثمن ترکه در غیر عقار
و اراضی شریکند و در عقار و اراضی غیر ذات ولد
نمی برد و ذات ولد احوط آنست که با سایر ورثه مصالحه
نماید چون ارث ذات ولد نیز از آنها محل اشکال است
و مشهور این است که ذات ولد هم میبرد نه غیر ذات ولد
اما آلات و ابنیه آنکه عین و قیمت سهم دارد مسئله ۳۶
کشمش و خرما در میان برنج کردن چه صورت دارد و هر گاه
کشمش و خرما خشک باشد و قطع در جوش آمدن او

در میان

در منافی بر نجس نداریم آیا بقاعدهٔ طهارت یا استصحاب طهارت حکم بنجوردنش میفرمائید یا نه **جواب** عیب ندارد **مسئله ۳۷** در وصی عدالت شرطست یا نه و اگر وصی عادل نباشد وصیت باطلست یا او صایت وصی و بر فرض عدم بطلان آن که باید بوصیت عمل کند **جواب** وصیت باطل نیست لکن چون غرض از وصیت عمل است پس در آنچه متعلق است باداء تکالیف بدون وثوق برائت از تکالیف معلوم نیست و اکتفا نمی توان نمود و در حقوق فقراء و یتیمان نیز اعتماد نمیتوان نمود و اگر در آن قسم غیر عادل را وصی نمود حاکم شرع ناظری تعیین نماید اما آنچه راجع بخواهشهای موصی است که نه از قسم تکالیف است و نه از حقوق غیر است موصی خود داند **مسئله ۳۸** وصیت که در ثلث معتبر است اگر زاید بر ثلث شد وصیت باطلست یا در ثلث ترکه

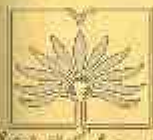
ممضی ودر نزاید باطلست **جواب** در نزاید باطل
نیست موقوف باجازهٔ ورثه است اگر اجازه کردند
نافذ است والا باطل میشود **مسئله ۳۹** در غالب بلاد
در سر حمام آب بر پای مردم میریزند و دلوچه مجمعه بتطهیر
و متعاقب سر قدم میریزند اما هر دفعه بقصد تطهیر نمی
کنند که غساله منفصل شود آیا پاکست یا نه **جواب**
خلاف احتیاط است البته و دو دفعه کفایت میکند
با فاصله فی الجمله **مسئله ۴۰** خم که نجس میشود در تطهیر
آن آیا باید آب زیر خم ریخت و بعد فو باید کما قاله بعض
یا از فوق بریزند کما قاله اکثر العلماء و لکن بنابر قول
اخیر آب پاک بته خم نخواهد رسید زیرا که هر دفعه
آب غساله در ته خم جمع میشود و بنابر قول اول هر دفعه
اول پاک بته خم خواهد رسید حکم را بیان فرما شد
جواب آب که از بالا بریزند تا قعر که میرسد همه را



تطهیر می‌کند و غساله مجموع آن آبیست که جمع میشود
در آن سو که بیرون می‌آورند و هم آنچه ریخته میشود از اول
تا باخر در هر غسل آب غسل است نه غساله و این طریق
که بنای قول اولست نیز خالی از محذوری که در طریق
دیگر نیز بتوهم خیال کرده اند نیست از جهة اینکه آب
بهر طرفیکه ریخته شود آب بالا می‌آید از همه طرف و آن
اطراف دیگر را غساله فرو میگیرد و آب غسل پاک
بنا بر این قول با نجاها نمیرسد و جواب همان است که
همه آب غسل است و تا فارغ نشده است همه تطهیر حاصل
میشود و بعید نیست که مراد کسیکه گفته آن بالا ابتدا
نماید این باشد که آن بالا ابتدا می‌نماید و آب
باطراف می‌ریزد تا بجائیکه غساله جمع میشود بعد غساله
را بیرون می‌آورند و محل غساله را آب میریزند تا بجائی
که آب غساله جمع میشود تا غساله جمع شده و بیرون

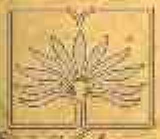
میریزند





می آورند و هکذا تا باخر و بر این تقدیر محذوری مذکور
در سؤال وارد نمی آید و اخبار این طریق اولی است و اگر
آب بیرون ندهد خم و بگو دانند بر آب یا خم را اگر بشوید که
آن آب به همه جا برسد و بعد از آن بر آب بیرون بیاورند تا
سه مرتبه پاک میشود **مسئله** ۴۱ کسی بشنید که الهام
میدهد و شنیده اند که این شخص باذن مجتهد یا وکیل
مجتهد نداده است یا آن وجه بر شنیدن مباح است یا نه
جواب مشکل است بلکه معلوم نیست **مسئله** ۴۲
فضلات کرم که در میان میوه اکثر است مثل سیب و غیره
و کوچه خرما و امثال اینها آیا مباح است که اینها با هم خوردن
و هکذا دانه عناب و خرما و سنجد و دانه میوه مثل
مباح است یا نه **جواب** اگر چیز قلیلی است که بعد از
پاک کردن باقی میماند ظاهر عیب ندارد اگر نشسته باشد اما دانه
کشمش و سنجد که عیب ندارد عناب و غیره هم چنین اگر سرد



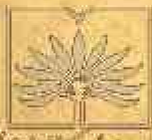


نداشته باشد مسئله ۴۳ قطع صلوة جهة دفع ضرر
از غیر جایز است یا نه جواب ۱ اگر ضرر معتد به باشد
مالی جایز است بلکه گاهی واجب و در ضرر نفسی واجب است
مسئله ۴۴ لقطه که قابل تعریف نیست مثل یک قران و
یک اشرفی که بدون ظرف و علامت دیگر است که تعریف
شود حکمش چیست جواب احوط تصدقست و بعید نیست
تملک هم جایز باشد مسئله ۴۵ امام یقین دارد که وقت
داخل شده و ماموم اعتقاد دارد که وقت داخل نشده
آیا میتواند ماموم این نماز را باین امام اقتدا کند
جواب نمیتواند بلی اگر در اثناء نماز امام وقت داخل
شد باعتقاد ماموم بعید نیست که در اینوقت
بتواند ملحق بامام شود و باقیه نماز امام نماز خود را
بجماعت کند والله تعالی العالم و احوط در اینصورت
نیز ترکست مسئله ۴۶ شخص حمام را اجاره کند مثلا

اینکه

اینکه بحمامی میگوید از اول سال مثلا تا فلان وقت
میآیم حمام فلان مبلغ بتو میدهم او هم راضی شد بدون
صیغه چه صورت دارد جواب با تعیین مدت ضرر ندارد
چون مقدار مکث و صرف آب معهود است و منزل بر متعارف
۴۷ مسئله شخص میرود حمام نسیه میگوید پول طلب شما را
هر وقت دارا شدم میدهم راضی میشود بدون تعیین زمان
چه صورت دارد دیگر آنکه شخص معامله نسیه میکند زمان را
معین نمیکند بایع راضی میشود چه صورت دارد جواب
اگر چنین باشد که پول را بذمه قرار دهد و بعد از قرار
گرفتن در ذمه خواهش مهلت تا زمان دارائی دارد
عیب ندارد چه در اینجا و چه در سایر معاملات دیگر
که حقیقة این راجع است بمعامله نقد که مقابل نسیه
منتهای امر این است که وجه عین خارجی مخصوصه نیست
و در ذمه است و نحو نیست که بمقتضای معامله مسلط آ

صاحب

صاحب مال کمتر باشد شرط جواز مطالبه نماید
واگر چنین نباشد بلکه پول تو جلبست در شناسائی صاحبش اولا
صحیح نیست در اینجا هم معامله صحیح نیست لکن بعید
نیست رضای متصرف بدست آید کفایت در جواز تصرف
مینماید اگرچه معامله صحیح نباشد و ملک حاصل نشود
خلاصه اینکه اگر رضای بتصرف از صاحب مال قطع نظر
از این قرار داد بدست آید یعنی نه آن رضا که در ضمن
معامله مجهول المدة است بلکه رضای مطلق تصرف
تصرف غیر موقوف بر ملک جایز میشود والا فلا ۴۸ مسئله
شخص یکقران میدهد پول سیاه یکشاهی نیمشاهی میگیرد
چه صورت دارد جواب معلوم نیست عیبی داشته باشد
۴۹ مسئله موضوع غنا را بیان فرمائید جواب
غنا خوانندگیست که جوره اش جوره الات لهو است
۵۰ مسئله حکم ضعیف خواندن چه صورت دارد از هم



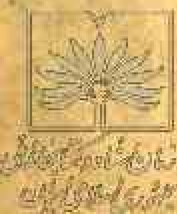
کتابی و نقل بمعنی خواندن بدون آنکه شخصی بگوید صار
معنی خبر اینست و حال آنکه تقدیم و تاخیر شده جواب
در نقل بمعنی اگر عبارت فهم باشد و مضمون ادا درست
آن خبر بخواند بهیچ ضرر ندارد و حاصل معنی کافیست
است براین **مسئله ۵۱** مناط کثرة شک بر چه قدر است
جواب کثرت شک ظاهر اینستکه عرفی باشد **مسئله ۵۲**
طفل را باذن ولی زدن بجهة ادب چه صورت دارد **جواب**
تادیب اگر فاعل بر نفع باشد باذن ولی عیب ندارد
مسئله ۵۳ شخص در اداء حق مردم مسامحه میکند نماز را
اول وقت نمیخواند بخواند یا نه و اگر هم نخواند حق مردم را
نمیدهد **جواب** حبس حق فوری الاداء و مشغول
بچیز دیگر شدن اشکال دارد رجوع بغیر حقیر نمایند
مسئله ۵۴ هر مسلمی حرفی میگوید و شخص شنونده
شک دارد که آن حرف زده است یا خیر آیا کافر است

است یا نه جواب باعث ارتداد و حکم بکفر نمی
شود و اگر حکم این حرف را عمداً اند که موجب ارتداد است
باشد باید سؤال از مجتهد نماید مسئله ۵۵ شخصی توبه
میگوید و ادعا کند که غافل بوده ام یا ندانسته ام که
این حرف رده است چه صورت دارد جواب اگر ابداء
عذری موجه نماید مقبول است مسئله ۵۶ اگر زن مرتده
گشت ثانیاً عقد میخواهد یا آنکه عقد اول کافیست
جواب اگر ارتداد قبل از دخول باشد یا توبه قبل
از انقضاء عده نباشد احتیاج بعقد جدید است و اگر
ارتداد بعد از دخول باشد و قبل از انقضاء عده
توبه کرد احتیاج بعقد جدید ندارد مسئله ۵۷ حید.
وکیل در عقد دائم یا انقطاع و سایر عقود جایز است
جواب جایز است والله تعالی العالم مسئله ۵۸
اگر زنی با اولاد دختر خود و همچنین با اولاد پسر خود

شیر دهد چه صورت دارد دختر شوهر خود و هم
چنین زن پس بر پسر حرام میشود یا نه و آیا فرقی در هر دو
شق میباشد یا هر دو در حکم متحد هستند و در صورت
حرام شدن آیا علاجی بر حلیت میباشد یا نه جواب
تحقق رضاع معتبر شرعی که موجب حرمت است
در شیر دادن اولاد دختر موجب حرمت است که علاج از
برای آن نیست بجهت آن دختر حرام میشود بر زوجش که پدر
مرتضع است فانه لا ینکح ابو المرتضع فی اولاد المرضعة
و در صورت ثانیه که شیر دادن اولاد پسر باشد نسبت
بمادر مرتضع و پدر مرتضع معلوم نیست که سبب
حرمت شود مگر بر قول بعموم منزله علی احتمال چون مرتضع
برادر رضاعی پسر خود میشود و مادر مرتضع که زوجه
پدر مرتضع است بمنزله مادر برادر مرتضع میشود
و مادر برادر در نسب یا مادر حقیقی است یا زن پدر است بلکه

و این

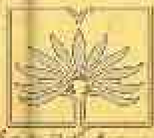




و این قسم زن بر شوهر حرام است لکن این مذهب که قول بعموم منزلة است
ضعیف است و مرضعه هم بر شوهر خود حرام نمیشود ان شاء
الله تعالی العالم **مسئله** ٥٩ آیا در این نحو که شنیده
اید شخص میتواند اجیر بگیرد از جهة موصی خود یا اجیر شود
یا نه **جواب** با انحصار راه و عدم تمکن از تحصیل یا شرط
خصوص آن راه بر تقدیر عدم تمکن از تحصیل او اشکال است
مسئله ٦٠ فی وجه ذات ولد از جمیع ترکه من غیر استثنا
شئ ارث میبرد یا نه **جواب** نهایت اشکال دارد
احتیاط نمایند و اگر بشود با صلح رفع شبهه نمایند
مسئله ٦١ عقار صغیر اگر صرفه و غبطه در فروش
آنها باشد جایز است یا نه **جواب** جایز است از برای
ولی **مسئله** ٦٢ ملکی صلاح صغیر است بخرند بر ذمه
صغیر و ملک دیگر آن را صغیر بفروشند و ادا قیمت
آن نمایند جایز است این معامله یا نه **جواب** جایز است

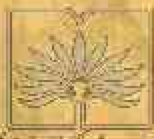
مسئله



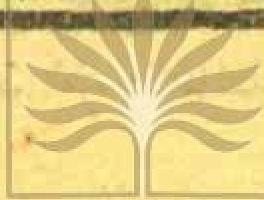


مسئله ۶۳ در نایب عبادات عدالت را از باب طریقیه
شرط میدانند یا از باب موضوعیت که اگر غیر عادل را
مطمئن باشیم بعمل کردنش میتوان اجیر کرفت یا نه جواب
در صورت وثوق بعمل کردن بر وجه صحیح بعید نیست
که توان کرد اگر چه خلاف احتیاط است مسئله ۶۴
طفل صغیر دو سه ساله را باذن پدرش یکماه متعه
مینمایند ایام تمتع داخل نیست صحیح است یا باطل جواب
صحت بعید نیست واحتیاط باطل کردن زمانی که
قابلیت فی الجمله استمتاع داشته باشد بهتر است
مسئله ۶۵ شخص وصیت کرد که ثلث مال مرا از برایم
خرج کنید و بگوید چهل سال صلوة و دو ماه صوم از
برایم بجا بیاورند در اینصورت باقی ثلث که زاید از
اجرت چهل سال صلوة و دو ماه صوم است در چه
مصرف باید صرف شود جواب ملاحظه باید نمود هر چه





اصلح بحال میت باشد و انفع باشد و او را از عقاب
خلاصی دهد اگر احتمال معاقب بودن داشته باشد مثل
مظالم اگر این احتمال بعیدی که بر ذمه اش باشد و نظیر این
در آن باید صرف نمود والا خوبست که در اقرب قربات
مثل تعزیه و اعانت زوار و تصدق بر فقراء و مساکین
و اعانت سادات صرف نمایند انشاء الله مسئله ٤٦
بفرمائید که هرگاه کسی خواهد نماز قضاء احتیاطی بکند
بعد از دخول وقت فریضه قبل از اتیان بفریضه میتواند
بکند یا باید اولا اتیان بصلوة فریضه نماید و بعد
نماز قضاء احتیاطی بکند جواب تقدیم حاضره
لازم نیست بلکه شاید احوط تقدیم همان قضای
احتیاطی باشد لکن اینهم لازم نیست والله تعالی العالم
مسئله ٤٧ تطهیر کفش با آب جاری و کر باید سه دفعه
شسته شود یا دو دفعه کفایت میکند جواب



دو دفعه



دو دفعه کفایت میکند و در لزوم تعدد رجوع بغیر نماید

۶۸ مسئله زمین هرگاه تر و نجس باشد تطهیر ته کفش و

پا میکند یا نه بلکه باید خشک و پاک باشد و تطهیر

ظروف باب جاری و کر تعدد لازم است یا نه جواب

نباید خشک باشد چنانکه هیچ رطوبت نداشته باشد

بلکه رطوبت متعدیه نداشته باشد اما طاهر باید

باشد و مسئله اخر از سابق معلوم میشود ۶۹ مسئله

تطهیر ما یرسب فیه الماء باب جاری و کر احتیاج بتعدد

عصر دارد یا نه جواب تعدد احوط است و کفایت می کند

در عصر انکه عبالة جامه یا فرش را در اب بفشیمکه اب

در او تبدیل شود ۷۰ مسئله شخصی ملکی را بشرط

گذاشته پیش دیگری و سندی هم نوشته شده و لکن صیغه

خوانده نشده و مشتری الحال ملک را صاحب شده بایع

میگوید پول را میدهم ملک را بده مشتری قبول نمیکند


چه صورت

چه صورت دارد جواب اگر معاطاة هم معامله واقع
شده باشد صحیح است و اگر در وقتی که خیار قرار داده اند
و عین را رد نموده و ... خیار فسخ دارد و بر تقدیر فسخ باید
ملک باو رد شود و اگر نه معاطات و نه بغیر معاطات
معامله واقع نشده محض سند نوشتن فایده ندارد ملک
باو باید رد شود مسئله ۷۱ هرگاه میتی را دفن نمایند
بقصد اینکه بعد از مدتی او را از قبر بیرون آورند و
او را بمشاهد مشرفه نقل نمایند آیا جایز است نبش
قبر او یا نه و هرگاه از اول قصد نقل میت را نداشته
باشند نبش جایز است یا نه و کفن میت را بدعا و قرآن
نوشتن جایز است یا نه جواب در مسئله نبش بعد
از دفن و نقل بمشاهد مشرفه رجوع بغیر نمایند و نوشتن
کفن بدعا و قرآن جایز است لکن رعایت احتیاط نمایند
جائی از کفن بنویسند که مأمون از تلوث و احترام نسبت

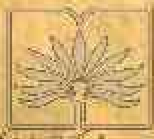
بقرآن





بقران وو عا بوده باشد انشاء الله تعالی مسئله ۷۲
اگر شخص بجائی باشد که غیر آب مغصوب نباشد با تنگی
وقت تکلیف بغسل یا وضو چه خواهد بود و بر فرض
آنکه جایز باشد وضو یا غسل اهمال او کرد و فریضه خود را
بجای آورد و وقت دیگر داخل شد و آب غیر مغصوب بدست
آورد آیا همان غسل یا وضو میتواند فریضه دیگر هم بجا
بیاورد یا خیر جواب تکلیف بطهارت مائیه ساقط است
مسئله ۷۳ قناتی یا نهر آبی وقف کرده بتصرف مالکش
است مسلمانان وضو میسازند و غسل میکنند بعد
از آنکه غصب بر مسلمانان در استعمال تفاوتی هم بهم رسید
یا نه یا آنکه نفع زراعت را غاصب میبرد و دخلی باین مسلمانان
که وضو میسازند یا غسل میکنند ندارد در صورت جایز
بودن اگر تغییر هم بهم رسد باز جایز است استعمال آن
یا نه جواب اگر از اهالی است که سبب بر استعمال





اما تا نیست بنحویکه تا نیست غصب نیست بغیر خا
و اعوان او در این عشاء منع از استعمال او وجه سابق
نمیشود والله تعالی العالم **مسئله ۷۴** کسیکه نماز قضا
بر ذمه دارد و میخواهد وضو بسازد با آنکه غسل واجب
بعمل بیاورد و میخواهد با این وضو و غسل نماز قضا
نماید وقت هم داخل نیست که بنیت نماز یومیه وضو
بسازد نیت این وضو را چه قسم باید نماید با نیتی که
میسر باشد وضو یا غسل را بعمل آورد ساعت دیگر
که وقت داخل شد بتواند با این وضو نماز واجب
نماید یا نه **جواب** احوط و اولی اینست که لااقل نیت
یکی از قضائی قصد بکند و بر تقدیر نخواستن یا نتو
مضایقه از این نداریم که قصد نماز مستحبی هر نحو که
ممکنش میشود بکند لکن خالی از خلاف احتیاطی نیست
و اگر قصد یکی از غایاتی که طهارت شرط صحت آنها مطلقا ست



شرعا



شرعا نماید بنحوی که داعی او بسوی این غایت فی الحقیقة قربت
بان باشد اگرچه محرک کسوان داشتن طهارت در وقت
باشد هم صحیح است و بعد از دخول وقت بان نماز می کند
و مشهور اینستکه غسل جنابت مستحب لنفسه است بنا
بر این حاجت با بنا هم ندارد در هر وقت خواهد غسل می
کند بقصد رفع حدث جنابت و نماز هم با او میکند لکن
در جمیع صور غیر از صورت اولی که قصد بجا آوردن قضا
داشته باشد قصد قربت مطلقه مینماید نه وجوب و
نه ندب غائی یعنی ندب مصطلح که رخصت در ترک
مطلق فصل او است والله تعالی العالم ٧٥ مسئله
زمین قبرستان را تغییر میدهند نهر اب غصبی یا غیر
غصبی در او جاری میکنند در سر این نهر وضو ساختن
با غسل کردن چه حالت دارد اب غصبی و غیر غصبی در
هر یک تکلیف علیحده است یا نه مثلا در صحن حضرت

عبا



عبد العظیم ع محل قبور مسلمانانست در اینجا نهری یا
حوض ولهذا اشتباه نمایند بدان نهر گاهی آب غصبی داخل می
شود گاهی آب مباح وضو ساختن یا غسل کردن چه حالت
دارد **جواب** چون محل الحال صحن شریف امامزاده
لازم التعظیم حضرت عبد العظیم علیه السلام است اگر
چنانچه صحن شریف از مرافق بقعه شریفه بوده است
که معلوم نیست نهر در آن جاری نمودن عیبی داشته
بلکه حسن داشته و اگر معلوم است محققا که وقف
بوده بجهة مقبره حال که چنین شده و بحسب ظاهر رفع
آن ممکن نیست بعید نیست که نشستن در اینجا
و وضو گرفتن ضرر نداشته باشد لکن آب وضو
باید مباح باشد شرعا و اگرچه باذن عام شرعی مثل
انهار کبار که سیره بر استعمال افتاده در مثل شرب و وضو
مثل انهار نیست باشد و بغیر مباح خالص چه هم اشتباه

مغصوب



مغصوب باشد و چیه مخلوط بمغصوب باشد نه جایز است

و نه صحیح والله تعالی العالم ٧٦ مسئله بخار غلیظ از

نجاست یا متنجس با انسان یا لباس انسان میرسد

نجس میشود یا نه جواب نجس نمیشود ٧٧ مسئله دیگ

شیره بعد از خالی کردن شستن میخواهد بجهت آنکه

دیگر یا نه یعنی اگر بخورد شیره داشته باشد ضرر

دارد یا نه جواب ضرر ندارد ٧٨ مسئله

دراستنجا به سنگ اگر سنگ صاف نباشد قبض

نمیکند که چین رفته است هر گاه خاک بمالد تمام

کند کفایت میکند یا نه جواب بلی کفایت میکند

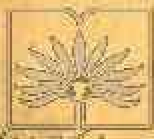
٧٩ مسئله کاشتن درخت در لب نهر آب مشترک

بعد از بزرگ شدن درخت ثمر آن مال غارس است

یا مال صاحبان جواب مال غارس است ٨٠ مسئله

در وقت شیره پختن یک کفگیر دو دیگهای سفید

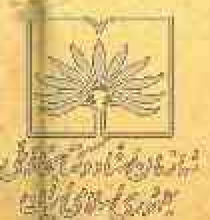




که در یکجا نصب است میزنند عیب دارد یا نه جواب
کفگیر دیگ جوش آمده را در دیگ بجوش نیامده میزنند
مسئله ٨١ دیگهای شیره هرگاه همه جوش آمده باشد
آیا یک کفگیر را میتوان بهمه آنها زد یا نه جواب
ثلثان نشده را در ثلثان شده میزنند مسئله ٨٢
شهادت بر رسالت در تشهد نماز داخل در ذکر است
تا بشود آنرا بقصد قربت مکرر کرد یا نه جواب
جایز است مسئله ٨٣ هرگاه موصی از برای وصی
تعیین اجرت نکرده باشد وصی میتواند بر طبق عمل
خود اجرت بردارد یا نه و در صورت جواز اذن حاکم
شرع لازم است یا نه جواب ظاهر اینستکه این
مسئله مندرج باشد در کلیه امر بعمل و در رساله
متاجر تفصیل آن مذکور است رجوع نمایند مسئله ٨٤
آیا قیم صغیر در مبایعه ملک صغیر اسقاط غبن فاحش

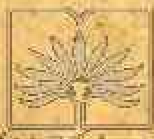


میتواند



میتواند بکند یا نه جواب جواز موقوفست بمصلحت
بلی در غالب در این اسقاط مصلحت نیست مسئله ۸۵
حد غبن فاحش چه چیز است بیان شود جواب اول
غبن متعارفی دارد و خارج از متعارفی و خارج
از متعارف هم مراتب دارد چنانچه بعضی مراتب معدود
در غبن نیست یا آنکه زیاده یا نقص هست مسئله ۸۶
آیا رد مظلمه غیر سید بسید میرسد یا نه جواب
مدخلیت ندارد سیادت آنکه مظلمه میدهد چه صدقه
از او نیست بلی بنا بر اینکه صدقه از صاحب حق باشد
و معلوم باشد که او سید نبوده است مدخلیت
محتمل است لکن چون صدقه واجبه از او نیست یا معلوم
نیست و یا عدم معلومیت اصل علم وجوب
از این جهت معلوم نیست که مانع داشته باشد چون
صدقه مندوبه غیر سید نسبت بسید جایز باشد

بلی

لی چون حکم این صدقه وجوبست یعنی واجبست تصدق

نمودن اگر کسی بنا براین بگذارد که همینکه حکم صدقه وجوب

شد بسید بمیرسد باید بگوید نشود داد و لکن این

معنی در محل منع است بلکه ظاهر ادله منع صدقه واجب

باصل شرعست لکن احوط مع ذلک قصد بغیر سیدست

والله تعالی العالم **مسئله ۸۷** تالابیست در بعضی

بلاد تقریبا بفاصله سه فرسخ و از حیثیت طول و

عرض شاید قریب سه یا چهار فرسخ بوده باشد و

از قراریکه میگویند چشمه هم دران تالاب هست

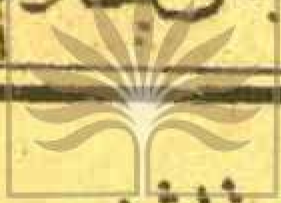
و تخمینا بقدر ده سنگ اب در یک لوله اهنی اورده اند

تا نزدیک شهر و در انجا منقسم میشود در لوله های

اهنی کوچک بقدر لوله افتابه یا زیادتر یا کمتر بتفاوت

امکنه و چون تالاب مشرف و مسلط است بر شهر

این اب باختیار خود میرود بمرتبه های چهارم و پنجم بکند

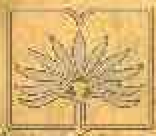


تا ششم



باشیم باوجود این صورت ظرف را در زیر آب بگذارند
چیز متنجس در آن ظرف بشویند پاک میشود یا نه و بر
فرض اینکه پاک بشود و آب هم نجس نشود خود آب حکم
کر دارد یا حکم آب جاری یا چه حکم مسئله استعلام قوم
فرمایند **جواب** بسم الله الرحمن الرحیم متنجس پاک میشود
و آب نجس نمیشود مادام که متصل است و حکمش حکم کر
است اگر یقین بتحقق چشمه نباشد والله تعالی العالم

۸۹ **مسئله** زید دو دختر دارد هر یک از مادری
و زید وفات نمود تقریباً بیست هزار تومان متروکه
دارد و یکی از دخترها ضعیف و بی قوه و دیگری قوی
حصه او را بطرف ضعیف داده و هزار تومان مصالحه
نماید با عدم رضای قلبی آیا این مصالحه صحیح است
یا نه **جواب** اگر او را اکراه بر مصالحه نکرده اند
لا اعلم وجهاً در مصالحه بمقدار غبن بوده بجهة اینکه نمیداده اند

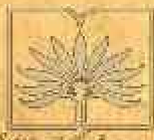
نمیداده اند صحیح است صلح ظاهراً و واقعاً و اگر مکره
بوده است صحیح نیست و اگر لاعلاج بوده و بجهة لا
علاجی که اگر صلح نمیکرده نمیداده اند صلح کرده نیز
واقع بجهة طرف مقابل حلال نیست والله تعالی العالم
۸۹ مسئله زید ملکی وقف نماید باین عبارت که
نصف مداخل آن بتعزیه داری حضرت سید الشهداء ع
مصروف شود و نصف دیگرش بفقرای بلد و فقرای ارحام
را در همه حال بر فقرای بیگانه مقدم فرموده الاقرب
فالاقرب را مراعات نمایند آیا با استحقاق طبقه دوم
با طبقه اولی مساوی و مقابل هستند یا آنکه فرقی
و تفاوتی دارد جواب اگر امر مردد شود که یا بطبقه
اولی فقط باید داد و یا ثانیه یا بعکس باینمعنی که
اینقدر نباشد که بحسب آنچه متعارف در اینمقام است
زیاده بر یک طبقه نمیشود یا اولی فقط یا ثانیه فقط طبقه

اولی

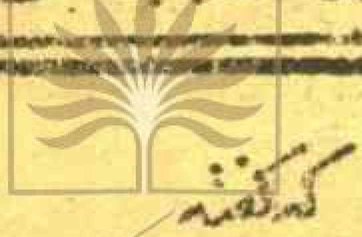


اولی مقدم است بمقتضای اینکه قرار داده الاقرب
فالاقرب والله تعالی العالم ۹۰ مسئله معامله دادن
پول باین دو قسم که اشاره میشود صحیح است یا نه اول
انکه زید دو تومان معین از مصالحه نماید با عمرو بعوض
مال المصالحه معین و شرط کند اینکه عمرو صد تومان
باو قرض بدهد دویم زید دو تومان بدهد بعمرو
که عمرو صد تومان برای او قرض کند از کسی جواب اما
بلی ظاهر اینستکه این دو صورت صحیح است انشاء الله
تعالی ولکن در صورت ثانیه اگر ببخشد باو دو تومانرا
و شرط کند که از برای او از دیگری قرض کند صد
تومانرا با جعاله او قرار بدهد دخلی بباب معامله
پول ندارد و محل کلامی نیست و علاج بجهة تخلص از
ربا نیست و اگر ببخشد باو و شرط کند که خودش دویست
تومان قرضش بدهد نظیر صورت اولی است تعالی خ

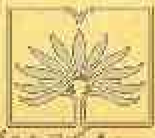




بصلح و هبه است مسئله رشته آبی را از نقبه
معلومی چند بن خانه متصرفند و میبرند و آن آب
از قناتی است که مشهور بباب مسجد است حال کسی میخواهد
منع متصرفین از این آب نماید قبل از ثبوت غصبیت
میتواند یا نه و در صورت عدم غصبیت بردن آن
رشته آب را در مسجد چه صیغه ما شد جایز است یا نه
و اگر جایز نیست مسلمانان میتوانند از آن آب بر
دارند برای وضو و نماز شان صحیح است یا با علم بحرام
نمیتواند منع متصرف نماید چون ظاهر تصرف و بردن
آب دلیل بر استحقاقست اگر مشهوریت بباب مسجد
صدمه بظاهر حق بودن نزند لکن ظاهر اینستکه استحقاق
فی الجمله بتصرف حق بودن ثابت میشود و اما بردن آب را
بمسجد خلاف شرع است بعد از حکم بملکیت بمقتضای
تصرف یا استحقاق فی الجمله و در باب وضو ممکن است

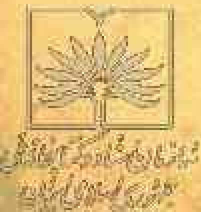


که نقبه



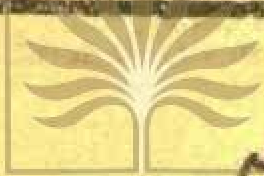
که گفته شود که منع از انتفاع بوضو گرفتن با آنکه
وقف بجمیع اوست جایز نیست یا باید قیمت
خود را بردارد یا رخصت استعمال دهد و اگر هیچ
کدام را نمیکند ممکن است گفته شود که مسلمین بقدری
که زیاده بر حق ایشان نباشد توانند منتفع شوند
والاحوط استیذان و رجوع بحاکم شرعست ٩٢ مسئله
زنی فوت شده شوهری دارد و یکعمه پدری و
چهار خاله پدری و یکخالوی پدری و دو عموی مادری
کیفیت ارث هر یک از وارثان بیان فرمایید جواب
نصف ترکه از شوهر است و ثلث از ترکه از خالو
و خاله ها است هر دو زن مساوی والاحوط صلح است
در میان خود چون محتمل است که قسمت میان ایشان
بطریق تفاوت باشد للذکر مثل حظ الانثیین
اگر چه احتمال ضعیف باشد و باقی که سدس ترکه است

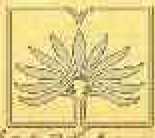
از دو عمو

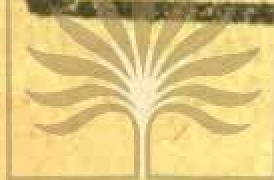
از دو عمو و یکعمه است لکن ثلث از این سدس از دو عمو
است و دو ثلث باقی مانده از سدس از عمه است و الله
تعالی العالم مسئله ۹۳ شخصی فوت شد یکعموی پدری
و مادری دارد و یکعمه مادری دارد و دو خاله دارد
یکی پدری و دیگری مادری و چهار خالو دارد یکی
مادری و سه دیگر پدری و اموالی که از پدر و مادر هر دو
بر سبیل ارث باین شخص متوفی رسیده بود حال
مرقوم فرمایند که عمو و عمه و خالو و خاله بچه قسم از
میراث قسمت میبرند **جواب** ثلث از ترکه از اخوال
و خالات است باینطریق که ثلث از این ثلث از خاله
و خالوی مادریست بطریق تسویه مرد و زن و دو
ثلث دیگر این ثلث از سه خالو و یکخاله پدریست
بطریق تسویه نیز و احوط اصلح است چون احتمال قسمت
در اینجا بطریق تفاوت و للذکر مثل حظ الانثیین هست

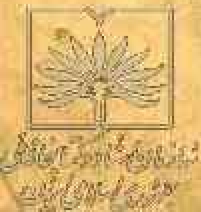
اگرچه





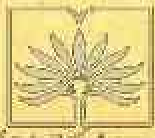
اکر چه ضعیف باشد و دو ثلث دیکر از اصل ترکه از
عم و دو عمه است لکن باین طریق که سدس این دو ثلث
از یکعم و عمه مادریست و باقی که پنج سدس از این دو ثلث
از عم و عمه ابوینی است للذکر مثل حظ الانثیین
والله تعالی العالم ۹۴ مسئله چه میفرمایند در
باب صلوة در لباس مشکوک در اینکه از اجزاء
ماکول اللحم است یا غیر آن جواب اکر چه احتیاط شدید
در اجتناب است لکن جواز بعید نیست والله تعالی
العالم ۹۵ مسئله اکر آب حوض نجس شد و آب جاری
بمقدار کر در آن آمد و لکن پر نشد آیا آب حوض پاک
میشود یا نه جواب بلی طاهر میشود با مزج والله تعالی
العالم ۹۶ مسئله اکر در لباس آب جمع میشود و بسا
در آن لباس و لوغ نماید آیا باید لباس را تغیر
نمود یا نه جواب معلوم نیست لزوم آن والله تعالی
العالم



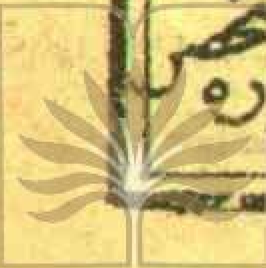


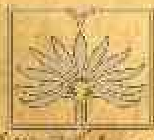
العالم مسئله ۹۷ چه میفرمایند در اینکه نقره یا طلا را
در بوته که هیچ چیز خارج نباشد آب نمایند لکن در وقتی
باو میرسانند یا همان میشود خود طلا و نقره نجس میشود
یا نه **جواب** جماعتی از علما که بر فتاوی ایشان
مطلع شدم حکم بنجاست میفرمایند والله تعالی
العالم **مسئله ۹۸** ماموم میتواند در ابتدا به نیت
جمع دو نماز با یک نماز امام نماید یا نه **جواب**
نزد احقر مشکل است در مثل نماز مغرب و عشاء
بمغرب یا ظهر و عصر بظهر یا بعصر نه مغرب و عشاء
بعشاء رجوع بغیر نمایند **مسئله ۹۹** اگر مصلی
بعد از سلام شک میان سه و چهار نمود یا کرد
حکمی دارد **جواب** در صورت مفروضه یقین باحد
امرین از نقصان یا زیادی رکعت دارد پس اگر بر خورد
قبل از منافی رکعتی را که احتمال نقصانش هست بجا

آورد بجا



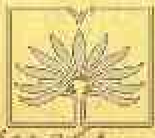
اورد و بعد از نماز دو سجدهٔ سهو بجهة احتمال پنج و دو
سجدهٔ سهو بجهة احتمال سلام در غیر محل بعمل اورد
محتمل است کفایت کند و احوط اعادهٔ نماز است
نیز و رخصت در ترك این احتیاط هست والله تعالی
العالم **مسئله** شخصی در ماه مبارك رمضان
ایستاده نماز میکند ناکاه پشه یا حیوان دیکری برود
بدهان آن شخص که بعد از آخ کردن بیرون نمی آید
اکر فرو برد روزه باطل است و اکر نیز نماز تکلیف
چیست **جواب** با وسعت وقت نماز را قطع می کند
و با ضیق وقت که درك یك رکعت بر تقدیر قطع نمی
کند اکر فرو بردن یعنی خوردن آن چیز حرام است
نیز نماز را قطع میکند و اکر حلال است بعید نیست
که فرو برد و در صورت اولی نماز را و در ثانیه روزه
را قضا میکند و این حکمها بر تقدیریست که چاره منحصر
باشد



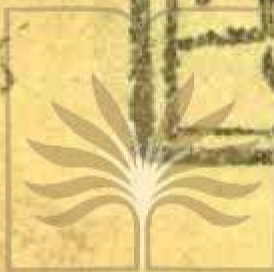


باشد. در دوام یا بیرون آوردن یا فرو بردن پس
اگر نتوانند نگاه بدارد بدون تکلم یا خ تا نماز را تمام
کند نگاه دارد و همچنین باید دانست که این کلام
بر تقدیر نیست که فرو رفته باشد که اگر فرو رفته
باشد و حرام باشد مثل در وجوب بیرون آوردن
و امثال که این بیرون آوردن منافی است نمی باشد والله
تعالی العالم ١٠١ **مسئله** عوام با آنکه زحمت میکشند
نمیتوانند حرف را از مخرج ادا کرد چنانچه طا را تا
و حا را ها میگویند آیا صحیح است **جواب** اگر واقعا
عاجز است ساقط است لکن باور نمیتوان کرد که
بمشق کردن درست نشود ١٠٢ **مسئله** شخص غالبا
شک میان سه و چهار میکند پس دفعه شک میان
یک و دو کرد آیا کثیر الشک است و همچنین اگر در عدد
تسبیحات یا در عدد سجده کثیر الشک باشد پس شک

در عدد

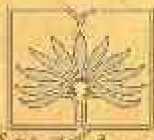
در بعد ذکر عبادت نماید کثیر الشک است یا نه جواب
معلوم نیست که در اینها حکم کثیر الشک جاری بشود
۱۰۳ مسئله یک فقیر اینقدر از وجه زکوة میتوان
داد که غنی و مستطیع و صاحب خانه و عیال بشود یا نه
جواب میشود لکن اجحاف بسایر فقرا خوب نیست مسئله ۱۰۴
کسی مال موروثی یا موهوبه را مالک شد پس از ان هبه
بکسی دیگر کرد که اگر نمیکرد مستطیع بود آیا ذمه این
کس از حج خلاص است یا نه جواب اگر قبل از اوان
خروج بجهة سفر زیارت بیت الله الحرام است حج برو
واجب نمیشود و اگر در اوان خروج حاج است مستطیع
است و باید برود ۱۰۵ مسئله کسی حرمت وطی حایض
نمیدانست و مدتی این عمل را میکرد که عددش را نمیداند
نمیداند در باب کفاره چکند و حکم عبادتهای
او که با ان عرق جنابت کرده چیست جواب اشکال است



کفاره برای او لازم نمیشود اگر قاصر باشد و در نجاست عرق
در این صورت تامل است بر تقدیر نجاست عرق جنب
از حرام و غاصب بن حرام مسئله ۱۰۱ کثیر السهو که ضبط
مسائل نمیتواند نمود هر چند ضبط نماید باز فراموش
میکند هرگاه چیزی در نماز شک و وهم به چه عمل کند
جواب عمل را بنای بر یکطرف تمام کند بقصد رجوع
و استعلام اگر بعد از نماز رجوع کرد و مطابق شد
فبها و الا اعاده مینماید و عمل بتکلیف خود و اگر احتیاط
بتواند بکند مقدم است مسئله ۱۰۲ قبول هبه از
مخالف مالی را که بمذهب خود شرعا ملک است جایز است
یا نه مثل آنکه حکام مخالف مالیات از رعیت میگیرند
و بما ها می بخشند و حال آنکه بمذهب حاکم و رعیت
هر دو این عمل را شرعی میدانند جواب بحسب دین
مذهبشان بشبها و مذهب حق نیز هبه باشد بعید

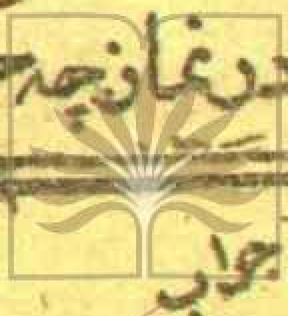


نیست چوب نداشته باشد مسئله ۱۰۸ فضله پرستوک
نجس است یا پاک جواب پاک است انشاء الله تعالی مسئله ۱۰۹
در تطهیر فرمایش سرکار است که در جائی که
نقطه ضرور است با پیمانه آب مغسول جدا نماید اصل
شیء را از نجاست چوب یا خشبی است که اگر بابند دو
کامل پارچه چوب یا آهن نجس را در آب کر یا جاری
گذارند پاک نشود جواب بنا بر اینکه بعضی از صنا
شرعیه صفتمعه وارد شده باشد چاره نیست
و اینکه نوشته شد که پارچه آهن یکبرهو کر کامل در آب
بماند طاهر نشود بلی طاهر نشود بنا بر این اگر چه یکسال
کامل بماند و اینها همه از استبعاد است و عقل ما را
نرسد حکم و مصالح احکام شرعیه نماید لکن احوط
نقطه در آب کر و جاری بعد غیر بول اینها احتیاطا
گفته ام اگر چه نظر با صول لازم نیست لکن خوب در استفادم

اکتفا بیکدفعه اشکالی هست رخصت در عمل از جانب خود
نمیدهم اگر نمیخواهند احتیاط نمایند رجوع بغیر نمایند
لکن در بول در آب جاری یکدفعه کافیست انشاء الله
مسئله آب قنات در باب زکوة در حکم چاه است
یا جاری جواب در حکم جاریست و حکمش عشر است الحمد
احتیاط مطلق اگر رجوع بغیر در آن جایز و مخالفت
غیر جایز بچه شناسیم و احتیاط مستحب که مخالفت بدون
رجوع در آن جایز است کدام است جواب اگر مسبوق
بفتوی نیست احتیاط لازم است یا مقرون بفتوی
است مثل اولی و بخوان است نقیض آن یا امکان مستحب
است و الا مطلق است مسئله کلابتون را
که یقین بطلا و داشتن آن ندارد چه احتمال میرود
که رنگ باشد یا آنکه یقین بطلا بودن دارد و
شک در استهلاک آن بنقره در نماز چه حکم دارد

جواب

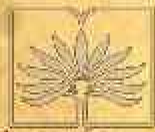


جواب اگر یقین بطلا بودن نیست بعید نیست جایز
باشد با احتیاط شدید و اگر یقین باشد و شک در
استهلاک باشد نمیشود مسئله ۱۱۳ لباس نجسی در
میان بیست لباس طاهر مشتبه شود یا شبهه محصوره
باشد و میزان غیر محصوره چیست جواب ظاهرا محصوره است
و مدار غیر محصوره شاید این باشد که کثرت اطراف بحدی
باشد که احتمال نجاست در آحاد بتنهائی که ملاحظه
شوند بحدی ضعیف باشد که عقلا اعتنا بآن احتمال
نکنند و آنرا در حکم عدم شمارند و تکلیف باجتناب
را در این صورت منجز ندانند و اگر اتفاق افتد و واقع شود
در محذور مخالفت واقع او را معذور بشمارند و
باید دانست که ملاقی بعض در محصوره طاهر است و
بالخصوص اجتناب مردم مشتبه در محصوره اگر تکرار کند نماز
را زیاده بر عدد نجس موجود معلوم بالاجمال نیز یقین

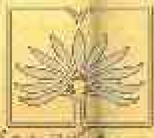


بپرسد که نماز در ایام رفته نماز صحیح است انشاء
الله اگرچه بعضی از علماء شاید در اینصورت حکم کرده اند به
که نماز قضا باید بکند مسئله زکوة مالی که زمین
که ظالم جبراً میگیرند و بعضی هم میرسانند با شخص
برئی الذمه میشود یا واجبست دوباره خود بدهد
بمضمون جواب در بعضی اخبار معتبره است در جهة
همین قول که هؤلاء قوم ظلموکم اموالکم وانما الصدقة
لأهلها و مقتضای این جمله از اخبار لزوم دادن
زکوة است ثانیاً چنانچه مقتضای قواعد نیز همین است
و در بعضی اخبار رخصت احتساب است از زکوة و
اینکه تا بتواند بایشان ندهد و لهذا بعضی از
علماء در مسئله اشکال کرده اند یا فتوی باعاده
داده اند و بعضی فتوی باحتساب گفته اند و بعید
نیست همین قول لکن احتیاط در عدم اکتفا اعاده

بدر مقدار باقی مانده است بقدر خودش مسئله ۱۱۵
مؤن را در زراعت زکوة مطلقا چه قبل از تعلق زکوة
یا بعد از آن جایز است اخراج آن نماید بعد زکوة باقی را
بدهند جواب حضرت الزام نسبت کنم یا بکر اخراج مؤنه
نماید و زکوة همه را بدهند و چون مسئله خالی
از اشکال نیست اگرچه در نظرم ارجح است که بعد از
وضع مؤنه است لکن رخصت نمیدهم که با این ترجیح
من عمل نمایند چه مضایقه مرخص میکنم رجوع بغیر را
که رخصت دهد مسئله ۱۱۶ شخصی جراحتی بر پشت
دارد که حکمش احتیاطا جمع ما بین غسل جبیره و تیمم است
هرگاه بعد از طهارتین و نماز محدث بحدث اصغر شد
باید وضوء تنها بگیرد یا آنکه تیمم بدل از غسل هم باید
بعمل بیاورد جواب در صورت مفروضه تیمم را
اعاده میکند بدل از غسل احتیاطا و وضوء هم میگیرد



احتیاطاً از جهت اینکه اگر تکلیفش غسل بوده حالا
که حدث از او سر زده باید وضو بگیرد و اگر تکلیفش تیمم
بوده تیمم سابق او که بدل از غسل بوده منتقض نمیشود
بحدث اصغر چنانچه مشهور است پس باید ثانیاً تیمم بدل از غسل
نماید **مسئله ۱۱۷** خانه و املاک یکی از عمال ظلمه
میماند و ورثه تقسیم و تصرف بکنند و امتناع از
دادن مظالم دارند نماز در آن چه صورت دارد با آنکه
احتمال میرود که خود مورث رد مظالم خود کرده باشد
یا آنکه این ملک را در حیات خود بورثه تملیک کرده
باشد بعوض یا مجاناً و بر فرض عدم جواز نماز در آن
هرگاه شخص چیزی از بابت اجرت تصدق بدهد و
در آن تصرف نماید بنشستن و خوابیدن و نماز کردن
و نحو آن حکم چیست با آنکه این استیجار صلاح است
برای فقراء که اگر نکند هیچ فائده برای ایشان ندارد

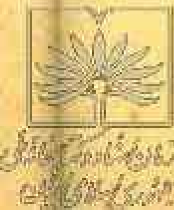


جواب اگر احتمالی که نوشته اید قائم باشد بر وجهی
که شرعا توان با آن احتمال بنای عمل نهاد خوبست لکن
با اینکه در حین فوتش در دست او بوده و شرعا محکوم
بملکیت او بوده مشکلست اعتناء باحتمال تملیک
بورثه در حیات خود مگر از باب حمل فعل ورثه بر صحت
و مشکل است مضایقه نیست احتمال اینکه مظالم را
را خود رد نموده باشد بعید نیست اما با حکم بتمام احتمال
اگر صاحب حقوق معلوم نباشند مضایقه نیست
جواز تصرف قریب بود لکن با تمکن از استیذان از حاکم
شرع معتبر بایست اذن گرفتن از او و بدون تمکن
بعید نیست بوجه احسان بفقراء بموجب نوع عمل نماید
۱۱۸ مسئله کسی خمس بر ذمه دارد و نمیتواند بدهد
فقیر میتواند چیزی از مال او عوض خمس بردارد نصف
از افراد سهم امام بمجتهد بدهد و نصف را فقرای خود

کند

کند و همچنین فقیر نیست بکسی که باید زکوة و مظالم
بدهد جواب بدون اذن حاکم شرع و تمکن از
استیذان معلوم نیست توان برداشت ۱۱۹ مسئله
هرگاه دیگری ممکن نیست جایز است که از وجه
زکوة خانه خریده شود و شخصی را اجرت بدهند که در
انخانه روزی چند ساعت بنشیند و مردم را تعلیم
مسائل لازمه نماید یا نه و فرقی میان فقیر و غنای معلم است
یا نه جواب مضایقه از خریدن خانه از وجه زکوة
نیست لکن در اجرت گرفتن بر تعلیم واجبات اشکال است
و اگر فقیر باشد از حق فقراء باو بدهند یا از سبیل
الله ۱۲۰ مسئله اعیان نجسه مثل لحم خنزیر و بول
بشبعد عرفی بگیرند که موجه انها دارای جمیع خواص
و آثار اعیان نجسه باشد یا اینکه از عرف طاهر است
و حلال یا نجس است و حرام جواب نجس است و حرام

مسئله



مسئله ١٢١ باران آیا مطهر است هم منفول دارد هم
غیر منفول دارد آیا فرقی دارد یا نه بیّنوا تؤجروا الجواب
بسم الله الرحمن الرحیم بسبب آب باران در حال باریدن
بمتنجّس که عین نجاست در آن نباشد بمقداری که
نجاست سرایت در آن کرده است مطهّر است الخ
و محتاج بتعدّد و عصر نیست و منقول و غیر آن در
این حکم یکسانست والله تعالی العالم مسئله ١٢٢
از مشتغل الذمه بالصلوة الواجبة او الصوم آیا
صلوة مستحبه یا صوم مستحب صحیح و جایز و موجب
ثوابست یا خیر جواب در صلوة اظهر صحت و بنا
بر این استحقاق ثواب نیز هست لکن احوط ترک آن تا
فراغ ذمه است از نماز واجب و در صوم اشکالست و
احوط ترکست والله تعالی العالم مسئله ١٢٣ پوشیدن
ماهوت در نماز جایز است یا خیر جواب جایز است

انشاء الله

ان شاء الله فعلا والاحوط ترکه مسئلة ١٢٤ رجل عنده
اموال المخمسة تحصل عنها منافع تدريجا في سنة تلك
فخلطها بالمخمسة وصار يصرف لمؤنة سنته من المجموع فهل
له عزل مقدار الخمس ام لا الجواب بسم الله الرحمن
الرحيم الأحوط ان لا يحسبها من خصوص غير المخمس و
يقسط عليه على المنافع المتجددة بالنسبة واحوط
منه ان يحسب جميع المؤنة على المخمس والله تعالى العالم
مسئلة ١٢٥ لو نطق المصلي حال الصلوة في المضاف
اليه غير صحيح هل يلزم اعادته مع المضاف ام يقتصر
عليه وكذلك لو نطق في المعطوف فهل عليه اعادته
مع المعطوف عليه ام يقتصر عليه وكذلك في المجرور
هل يلزم اعادته مع حرف الجر ام لا وكذلك لو كانت
صفات متعددة ونطق بالثانية غير صحيح فهل عليه
اعادتها مع السابقة وكذا لو نطق في لفظة شريك

من قوله



من قوله وحده لاشريك له غير صحيح فهل عليه اعادته
مع حرف النفي ام لا الجواب بسم الله الرحمن الرحيم
بعيد الجزء وما هو كالجزء ولا يبعد لزوم اعادة ما
لا المعطوف عليه ولا الصفات السابقة وحرف الجر
والتعريف والنفي ونحوها كالجزء والله تعالى العالم
١٢٦ مسئله حبوه غير از ثياب وسيف ومصحف و
خاتم هست يا خير جواب خير مخصوص است باموراربعه
١٢٧ مسئله مراد از ثياب خصوص ملبوس حال الصلوة
يا اعم است از ملبوس مطلق ومعد براى لبس يا مخصوص
است بانچه پوشيده است ولو احيانا جواب
مخصوص است بانچه پوشيده ولو احيانا ١٢٨ مسئله
از سيف وما بعده جنس مراد است يا واحد بر فرض
ثانى طريق تعيين چيست جواب مراد واحد است
وبا تعدد تعيين باختيار وارث است ١٢٩ مسئله

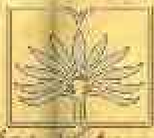
قاب



قاب جو غلاف ملحوظ نیست صحیح است یا نه جواب
ملحوظ نیست مسئله ۱۳۰ پوشیدن و اشباه از ثیاب
مغصوبست یا نه جواب محل اشکالست مسئله ۱۳۱
عمامه و قلنسوه و خف از ثیابست یا نه جواب
غیر از عمامه بنابر اظهر داخل نباشد مسئله ۱۳۲
در صورت تعدی اگر تکلیف چیست جواب
قسمت نمایند مسئله ۱۳۳ دین مانع است یا نه
بر فرض منع مخصوص است بمستغرق یا اعم است
جواب دین غیر مستغرق مانع نیست مسئله ۱۳۴
وصیت بثلث آیا نافذ است نسبت بحبوه یا نه
جواب وصیت از غیر حبوه محسوب میشود مگر
اینکه بعین حبوه وصیت کند که نافذ است مسئله ۱۳۵
مساوات سایر سهام با حبوه شرط است یا حکم اعم
جواب محل اشکالست مسئله ۱۳۶ آنکه مجتهد بر کسی

با نفوذ

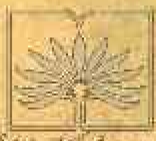




باخوشه انداختن جایز است یا نه جواب بلی
جایز است مسئله ۱۳۷ چربی که از گوشت نجس روی
حوض میافتد و کف صابون نجس و اینگونه مایعات
بمحض وصول باب کر طاهر میشود مسئله ۱۳۸ اگر کسی
یقین کرد بتطهیر چیزی و بعد یقینش برطرف شد
خود آن و ملاقی آن حکم نجس دارد مسئله ۱۳۹ معامله
که شخص قبل از بلوغ کرده است باطل است ولی
بعد از بلوغ اگر دسترس دارد بآن شخص که باید
ثانیاً معامله کند و اگر صاحب مال نخواهد دد
بکند میتواند و اگر دسترس نباشد یا اینکه
نخواهد مال را پس بگیرد بگذارند قیمت مشتری میتواند
تقاص کند و این را عوض آنچه داده است بردارد
مسئله ۱۴۰ بعد از فشار اول رخت مثلاً اگر
دست را طاهر کرد و دوباره برخت گذاشت همان

بزدن





بردن با رخت در کر و فشار دویم رخت طاهر می
کردد مسئله ۱۴۱ شک در تکبیرة الاحرام قبل از
شروع در قرائت و استعاذه معتبر است و اما در
حال استعاذه با اشتغال بقرائت اعتبار ندارد
مسئله ۱۴۲ ماموم اگر دید مثلا اگر ان کسی که مرتبت
کردن ان اتصال حاصل میشود تکبیرة الاحرام گفت ولی
دیدند که همین تکبیر باقی خواهد ماند یا باطل خواهد
کرد هم چنانکه بعضی میکنند اقتدا میتوانند بکنند
مسئله ۱۴۳ با جمیع مشاهد مشرفه و مساجد با
احتمال اینکه از کسی مانده باشد میتوان نماز کرد
ولی احتیاط اگر قصد تملیک بکند و بعد هم بگذارد
بهتر است مسئله ۱۴۴ باران که از سقف میچکد حکم
اب قلیل دارد اگرچه خود سقف را طاهر میکند
مسئله ۱۴۵ در تطهیر ظرف با اب قلیل اگر در حین

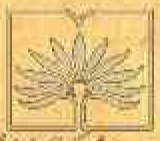
ریختن آب جوری بریزد که دو یا دو بر ظرف بگرداند
یا اول بریزد و بعد ظرف را نگاه بدهد که بتمامش
برسد یا با دستش آب در ظرف بهمه جایش برساند
ضرر ندارد ١٤٦ مسئله در تطهیر دست با آب اگر
آب بریزد بر روی دست و آبرا قطع کند و بعد
دستش را هم بمالد که آب بهمه جایش برسد ضرر ندارد
١٤٧ مسئله نذر و عهد و قسم تعلق نمیگیرد مگر
بامر راجح و رجحانش باید مستمر باشد و هرگاه رجحان
بر طرف شد حل میشود بعد رضایت والدین و بر طرف
شدن رجحان یا خواهش مؤمنی یا غیر اینها از ضرورت
١٤٨ مسئله اگر شخص قبل از وقت مشغول وضو یا غسل
شد بقصد کون بر طهارت بعض اعضا را که شست
وقت داخل شد میتواند وضو لیش را بهمین قصد
سابق تمام کند و میتواند در باقی اعضا قصد وجوب



کند مسئله اگر در نماز مسئله از برای شخص اتفاق
افتاد که نمیداند و مردد است که تکلیفش اینست که
اینطور بکند یا آنطور هر طرف که مظنه دارد که
چنان است بکند و همچنین هرگاه هر دو طرف مساوی
باشند در نظرش بنا را بر یکطرف گذارد و در هر
دو صورت که تکلیفش آن است عمل کند و بنایش را بر
این بگذارد که بعد از نماز سؤال کند اگر آنچه کرده است
موافق تکلیفش بوده نمازش صحیح است والا اعاده
کند و در صورت موافقت هم احوط اعاده نماز است
اگرچه این احتیاط لازم نیست و باید دانست که
کثیر الابتلاء نباشد والا اگر مسائلی باشد که زیاد
محل ابتلا واقع میشود و تقصیر در تعلمش کرده باشد
نمازش باطل است و همچنین هرگاه اخذ کرده باشد
ولی تقصیر در ضبط و حفظش کرده باشد نمازش

باطلست زیرا که هم چنانکه واجبست تحصیل مسائل
واجبست حفظش که از یادش نرود تا در مقام عمل
معطل نماند و امّا اگر در حفظ آنها کوتاهی نکرده
باشد ولکن کثیر النسیان بوده باشد در حال تردید
آنچه ذکر شد بجا بیاورد و بعد از نماز اگر موافق اتفاق
افتاده باشد نمازش صحیح است اگر چه بالنسبه بمسائلی
که کثیر الابتلاء است هم بوده باشد مسئله ۱۵۰
بنده کسبم تعزیه گردانی است و معاشم از این راه
وطریقه اش اینست که مرد لباس زن بپوشد یا در
جبه مستور شود یا روی دماغی پوشاند و اطفال را
پیراهن عربی بپوشانیم و چفیه سرشان میکنیم آیا
این جور جایز است یا نه و اجرت گرفتن برای نوع فرش
در همچه مجلسی چه صورت دارد جواب بلی جایز است
بشرط آنکه غنا خواندن در کار نباشد و اشعار





دروغ نخوانند وزن و مرد مخلوط بهم نباشند و
اصلا موجب معصیتی نشود مسئله ۱۵۱ معنی غنا
چیست جواب مراد از غناء خواندنی که صوت لهوی است
که انسان را از خدا و خود غافل میکند و حقیقت
غناء همین است اگرچه بصوت بد هم بوده باشد و فرق
نیست در این نحو خواندن ما بین قران خواندن و
دعا و روضه خواندن و داخل است در آن تصنیف
خواندن و حرام است اذان گفتن و مناجات کردن
اگر بنحو مذکور بوده باشد و از این قبیل است نوحه
کردن در وقت دلتنگ شدن مثلا و خواندن
مکاری اگر بان نحو بوده باشد و خارج است از
غناء خواندن قران و دعاء و اشعار موعظه و مصیبت
بصوت حزین مثلا بلکه بسیار ممدوح است تلاوت
قران بلحن عربی با رقت و صوت خوش و حزین مسئله ۱۵۲



دروغ در مورد یکه راست گفتن موجب هتک
حرمت و عرض مومن یا فاش شدن سرش یا ایذاء
او شود جایز است یا نه جواب بلی جایز است
بلکه وجوبش بعید نیست مسئله ۱۵۳ هرگاه شخص
علم یا مظنه داشته باشد باینکه بسبب بجا آوردن
افعال مستحبه نماز بعضی از افعال واجبه اش در
خارج وقت واقع میشود جایز نیست بجا آوردن
مستحبات و اما در صورت مظنه داشتن ببقاء وقت
بعد از بجا آوردن تمام افعال از واجب و مستحب
پس جایز است بجا آوردن مستحبات و در صورت شک
جایز است استصحاب بقاء وقت و کردن مستحبات
ولی در اینصورت احتیاط در ترک افعال مستحبه است
مسئله ۱۵۴ هرگاه خواندن سوره موجب این شود
که بعض از افعال واجبه دیگر نماز در خارج وقت



واقع میشود بابا سوره را ترك كند ۱۵۵ مسئلة
ما قولكم دام ظلكم هل تصح النافلة المبتدئة او
ذات السبب بعد دخول الوقت وقبل اداء الفريضة
الجواب بسم الله الرحمن الرحيم لا يبعد الجواز و
ان كان الاحتياط الترك ۱۵۶ مسئلة هل يصح نية
الندب بالوضوء بعد دخول الوقت وقبل اداء الوضوء
الواجب ام لا الجواب ينوي القربة لا الندب
المصطلح ۱۵۷ مسئلة من استوجر على ختم القران
فختم ثم عثر على غلطة في الاثناء فهل يجب الاعادة
من موضع الغلط ام لا الجواب الظاهر عدم الوجوب
لكن يحتاط باعادة الاية التي فيها ذلك الغلط
۱۵۸ مسئلة اذا عبث بطفل ولم يعلم الايلاج فهل
يحرم على العابث اخت الموطوء ام لا الجواب
مقتضى الاصل عدم الحرمة لكن الاحوط الاجتناب

١٥٩ مسئلة اذا علم الابلاج ثم تزوج الواطی اخت
الموطوء جاهلا بالموضوع ما الحكم او جاهلا بالحكم
ما الحكم الجواب الجهل ليس عذرا فی المقام والجاهل
والعالم سواء فی الحكم ١٦٠ مسئلة المشتغل اذا ظن بنفسه
قابلية الاجتهاد فهل يجب عليه التحصيل عينا ام لا
الجواب الاحوط التحصيل ١٦١ مسئلة من شغلت
ذمته بواجب من اداء دين او غيره فهل يصح عبادته
قبل ضيق الوقت ام لا الجواب لا يخلو عن اشكال
١٦٢ مسئلة المديون الغير المطالب هل يجب عليه
الاداء فورا عند التمكن ام لا الجواب اذا كان الدائن
راضيا بالتاخير لا يجب ١٦٣ مسئلة المديون الذی
لم يعلم الغريم به بحيث لو علم لطالب فهل هو فی حكم
المطالب ام لا الجواب هو بحكم المطالب ١٦٤ مسئلة
ما قولكم دام ظلكم فی ابوين عقدا نكاح على



صغيرين وبعد البلوغ تعسر الولد عن المهر والنفقة المزوجة

فهل يجبر الاب على دفع المهر والنفقة ام لا واذا توفى

الاب والولد معسر فما الحكم فى ذلك ولو كان كل من الاب

والولد معسرا فما حكمه **الجواب** اذا كان للصغير حال العقد

مال فالمهر عليه وان تعسر بعد ذلك وان لم يكن له مال

حال العقد فالمهر على الاب موسرا كان او معسرا وفى هذه

الصورة اذا مات الاب يخرج المهر من اصل التركة ونفقة

هذه الزوجة التى زوجها الاب لولده الصغير كنفقة

غيرها التى زوجها الولد فى كبره والله تعالى العالم

١٠٦٥ **مسئله** مقدس الانام ما عرض ميشود شخصى فوت شده

و وصيتى نموده موافق وصيت نامه آقا محمد حسين تاجر

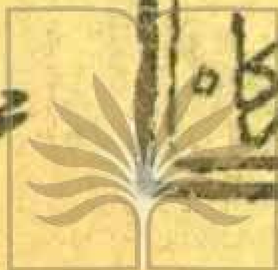
اصفهانى را وصى بر ثلث خود قرار داده كه باطلاع و

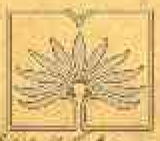
نظارت آقا عبد الكريم تاجر اصفهانى ثلث ورا در مخارج

مشخصه مخارج نمايند و وصيت نامه مفقود شده و مصارف

معینه بطریق قطع و یقین در نظر وصی نمانده و ناظر هم
فراموش نموده بعضی از مصارف فی الجمله قطعی ایشان است
از آن جمله حج است ولکن شک دارند که آیا حج بلدی
وصیت شده یا میقاتی از آنجمله است صوم و صلوة
استیجاری بنیابت موصی ولکن شک دارند در مقدار
آن که چند سال وصیت نموده که داده شود بعضی از
مصارف مظنون متاخم بعلم است از آنجمله رد مظالم است
ولکن شک در مقدار آن دارند که چه قدر وصیت
شده بدهند از آن جمله سهم امام است و شک در
مقدار دارند و بعضی از مصارف مظنونست نه قریب
بعلم از آن جمله است روضه خوانی نمودن و شک
دارند در اینکه بچه قسم وصیت شده که بشود آیا
روضه با اطعام است یا بدون آن و بعضی از مصارف
مشکوکست که آیا وصیت شده که بوارث و هرگاه

محتاج





محتاج و فقیر باشند چیزی داده شود از ثلث باندیشی
دارد موصی بالفعل فقیر و پریشان مطالبه ثلث را
از وصی میکند و میگوید ثلث باید بصاف خیر شارسیده
شود و من اولویت دارم وصی هم در امورات موصی حیران
مانده که چکند جواب بسم الله الرحمن الرحیم اما
انچه قطعیست باید عمل نمود لکن اگر مردد میان
دو فرد بوده باشد که متباین باشند مثل زیارت
کربلای معلی و زیارت مشهد مقدس رضوی ع
تخییر محتملست و تعیین بقرعه نیز وجهی است و مظنون
چه ... ... غیر از دو ... باید عمل شود بنا
بر اینکه در موارد یکه ممکن نیست تحصیل علم و یقین
اکتفا بظن اصل و قاعده شرعیه است چنانچه اقای
بهبهانی قدس سره در مسئله ما انحصار حاشیه مالکی
عمل فرموده اند و علامه رحمة الله علیه در تحفه چنانچه

نقل

نقلکرده اند که در ردّ ابن ادریس رحمة الله علیه در باب
قضاء مردّده فرموده ان غلبة الظن یکفی فی العمل
بالتکالیف الشرعیة اجماعا و در تردّد مظنون میان
دو متباین حکم چنان است که در مقطوع گفته شد
و اگر تردّد بین اقل و اکثر باشد اقل متعین است و زاید
مشکوکست در هر دو مسئله بلی اگر قدر زاید از روح
تر باشد مثل روضه خوانی با اطعام و بی اطعام مثلا
مضاف مشکوک باشد اینه مضایقه از صرف نیست
چنانچه اگر پیر فقیر باشد باو دادن وصف پیر او بودن
باین لحاظ بیوجه نیست و تردّد حج بین بلدی و میقاتی
محتمل است از اقل اکثر باشد والله تعالی العالم ۱۰۶۶
مذکور شد که یکنفر در تولی طرفی العقد را تجویز
فرموده اید سیما عقد نکاح را بیان فرمائید جواب
بسم الله الرحمن الرحیم امر فروج است شدید و احتیاط

در آن مطلوبست لااقل جمع کند میان نوافل خود از خود

وطرف دیگر بعربی و با طرف دیگر بفارسی میخواند مثلا

۱۶۷ **مسئله** شریک در ملک هرگاه ابا و امتناع

از قسمت نماید آیا برای شریک دیگر نماز خواندن در

ملک چه صورت دارد یا باید حاکم شرع او را اجبار

بتقسیم نماید که در غیر اینصورت عبادت شریک صحیح نیست

جواب با تمکن از رجوع بحاکم و قیام عدول با عدم

تمکن از حاکم مشکلست بلکه صحیح نیست ۱۶۸ **مسئله**

هرگاه شخصی شیئی را از برای دیگری هدیه بفرستد

قبل از قبض نمودن مهدی الیه آن شیء را آیا جایز است تصرف

نمودن در آن از برای کسیکه علم برضایت مهدی الیه در

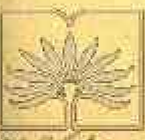
آن تصرف داشته باشد یا نه **جواب** ما دامی که قبض

نکرده است مهدی الیه از آن شیء بر ملکیت مهدی

باقی است و معتبر در جواز تصرف در آن رضایت مهدی

است





است نزد مشکل الیه مسئله ۱۶۹ در وقت شنیدن اسم
مبارك حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله صلوات بر آن
حضرت واجبست یا نه جواب وجوبش معلوم نیست
ولی سزاوار نیست ترك نمودن و وارد شده است
من ذکرت عنده و نسی ان یصلی علی خطاء الله بطریق
الجنة مسئله ۱۷۰ استحباب صلوات در ذکر آن
حضرت صلعم مختص بذکر آن حضرتست باسم مبارك یا در
مطلق ذکر آن حضرت جاری است جواب احتیاط
در صلوات در مطلق ذکر آنحضرتست چه ذکر باسم
مبارك و چه بوصفی از اوصاف شریفه آنحضرت صلعم
بوده باشد حتی در ضمیر راجع بآنحضرت مسئله ۱۷۱
هرگاه مکرر ذکر آن حضرت بشود آیا در هر مرتبه مستحب
است صلوات یا آنکه یکدفعه که صلوات بفرستد
کفایت میکند جواب در هر دفعه مستحب است مسئله ۱۷۲

هرگاه



هرگاه شخص مثلا در تشهد است واسم مبارک آنحضرت را
میشنود آیا اکتفا بصلوات در تشهد میتوان کرد هم از
برای شنیدن اسم مبارک آن حضرت وهم از برای تشهد
یا نه **جواب** اکتفا میتوان نمود وهریک از این دو
سببی است مستقل **مسئله** ۱۷۳ هرگاه شخص در نماز
مشغول بقرائت مثلا بوده باشد وذکر آن حضرت
بشود آیا باید همان آیه که مشغولست تمام کند وصلوات
بفرستد یا آنکه میتواند یک آیه یا دو آیه دیگر را
بخواند بعد از آن صلوات بفرستد **جواب** میتواند
ولکن بشرط اینکه طول معتد به نکشد **مسئله** ۱۷۴
صلوات بر آنحضرت بهر نحو که باشد کفایت میکند
یا نه مثل اینکه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد
یا بگوید صلی الله علیه وآله یا غیر از این دو وجه بگوید
جواب بلی کفایت میکند **مسئله** ۱۷۵ هرگاه

از حالات نماز که استماع ذکر آن حضرت بشود صلوات

بر آن جناب مستحب است حتی در حین قرائت امام که ماموم

ساکت است و استماع مینماید قرائت امام را یا نه **جواب**

بلی حتی در آن حالت ۱۷۶ **مسئله** هرگاه شخص اسم مبارک

آن جناب را بنویسد آیا مستحب است نوشتن صلوات

بر آنحضرت یا نه **جواب** بلی مستحب است ۱۷۷ **مسئله** هرگاه

شخص اسم مبارک آن جناب را بخواند بمطالعه نه بتلفظ

اینهم داخل در ذکر آنجناب است و مستحب است صلوات

بر آنحضرت یا نه **جواب** مشکل است ولی بعید نیست

حدیث شریف من ذکرنی او ذکرت عنده شامل اینصورت

بوده باشد و از ذکر آن جناب بوده باشد ۱۷۸ **مسئله**

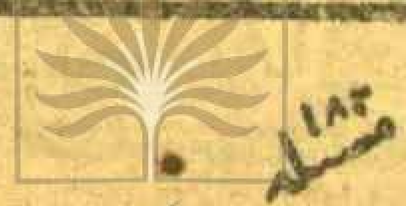
در نزد استماع ذکر هر یک از ائمه ع یا حضرت صدیقه ع

هم مستحب است صلوات بر هر یک از ایشان که ذکر

بشوند چه در نماز و چه در خارج نماز یا نه **جواب**

بلی مستحب است مسئله ۱۷۹ در استماع یا ذکر هر یک
از انبیاء ع در هر حال که بوده باشد صلوة و سلام
بر هر یک از ایشان که ذکر بشود مستحب است یا نه جواب
بلی مستحب است ولی اول صلوات بر حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و آل آنجناب باید فرستاد مگر در ذکر
حضرت ابرهیم ع که شاید مستحب بوده باشد که اول صلوة
بر آنحضرت فرستاد مسئله ۱۸۰ دو مسجد است و هر دو خراب
است آیا جایز است باذن حاکم شرع یا بدون اذن حاکم
شرع یکی را فروختن و تعمیر دیگری کردن جواب
خرید و فروش مسجد بهیچ وجه جایز نیست مسئله ۱۸۱
اگر مسائل مسئله با مسائل سرور العباد و مسائل نجاة
العباد و مسائل نخبه اختلاف با هم داشته باشند بکدام
یک باید عمل کرد جواب اختلاف معلوم نیست احتیاطا
با فتوی بجواز اختلاف نیست باید نیکو تامل کرد

بسم الله الرحمن الرحیم



مسئله ۱۸۲

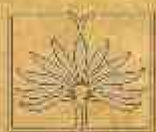
۱۸۲ مسئله در متن مسئله فتوی نوشته و جناب در حاشیه
میفرمایند علی الاحوط مراد را بیان فرمایند جواب
علی الاحوط اشاره باین است که انچه در متن است حکم
کردن بان از باب احتیاط است نه فتوی ۱۸۳ مسئله
فصد داخل در جروح است یا عرفا فصد جروح نمی
کند جواب ظاهرا داخل جروح نیست ۱۸۴ مسئله
با صدف نماز کردن جایز است یا نه و صدف جزو لباس
باشد یا در توی قلمدان یا کیسه بوده باشد و مصلی
حامل ان عدد باشد یا کیسه باشد فرقی دارد یا نه جواب
حقیقتش را درست نمیدانم که انچه در جوف او است
حیوانست یا نه و علاوه بر ان این صدف جزو او است
یا او متکون در وسط این است مثل پشه متکون
در ثمر بعضی درختها یا کرم متکون در انها ۱۸۵ مسئله
در مسئله نوشته است هرگاه قضا یقینی نداری

میخواهد احتیاط ایجابا و در ماموما بجماعت میشوند
اما ترک امامت احوطست جنابعالی فرموده اید یعنی
ترک اقتداء در این نماز احوطست اولا اینکه احوط
احوط استحبابیست یا احوط مطلق است و ثانیا
ماموم نماز احتیاطی میخواند و امام واجبی یا بعکس یا
هر دو احتیاطی بخوانند یا ماموم احتیاطی بخواند و
امام واجبی استیجاری از نیابت کسی که آن کس نماز واجبی
یعنی بر ذمه نداشته باشد یا ماموم استیجاری واجبی
اقتدا کند بامام در هر صورت تفصیلا بیان فرمائید جواب
در اقتدا باین نماز که از باب احتیاط ایجابی وارد میشود
چه از خود و چه از غیر خود تامل است رجوع بغیر
نماید و نماز ماموم اگر از باب احتیاط باشد اقتداء
در فرض ضرر ندارد چه از خود باشد چه از غیر مجانا هم
بکند عیب ندارد ۱۸۶ مسئله لباس را کلاه بتوان

دوری میکنند یا دور لباس را قیطان کلابتون می
دوزند از طلا یا از نقره صلوة با آنها چه صورت دارد
جواب نقره عیبی ندارد و طلا اگر مستهلک نباشد
حرام است پوشیدنش و نماز هم صحیح نیست مسئله ۱۸۷
ساعت طلا و نقره استعمالش حرام است یا نه و بر فرض
حرمت مصلی اگر حامل آن باشد نمازش صحیح است یا نه جواب
در حرمت استعمال قابهای ساعتهای شکاری که متصل
است تأمل است و علی ای حال بنماز ربطی ندارد و جوازش
با مصلی ضرر بنمازش ندارد از این جهت مسئله ۱۸۸
اگر سر عصا بقدر یک وجب نقره باشد یا تمام روی
عصا را نقره گرفته باشند ظرف هست یا نه جواب
ظرف نیست مسئله ۱۸۹ خمره که سرکه می اندازند
در توی آن آهن و نخود میریزند یا نارنج می اندازند
که خوش طعم شود چه صورت دارد جواب رجوع بدیگری

نمایند

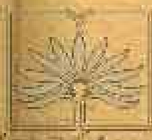




نماید ۱۹ مسئله خمره که سرکه انداختند بجوش میاید
تا لب خمره میرسد و بعد که سرکه شد بقدر یکوجب پائین
میرود آیا مقداری که پائین رفت بالتبع پاکست یا نه و
حکم تبعیت در ظرف خمر که منقلب بخل میشود می آید
یا نه جواب پاکست ۱۹۱ مسئله در عصیر عنبی
بذهاب ثلثین مطهر آن است آیا این حکم در شیره
مویزی که مویز را میکوبند و در توی آب میریزند
و میجوشانند تا شیره شود می آید یا نه جواب اگر
مویزآب را ثلثین نماید پاکست ۱۹۲ مسئله
بعضی میگویند شخص جنب اگر بخیال غسل رفته باشد
بحمام و سر بزیر آب فرو برده باشد و از حمام بیرون
بیاید همان قصد ولی کفایت میکند اگرچه در حین
فرو رفتن باب غافل باشد جواب کفایت نمی کند
۱۹۳ مسئله بعضی میگویند جناب عالی فرمایش فرموده اید



که در وضو



که در وضو باید رطوبت دست راست مخلوط برطوبت

دست چپ نشود بلکه باید برطوبت دست راست

مسح سر و مسح پای راست کشیده شود و برطوبت دست

چپ پای چپ با اینکه در نجاة العباد میفرماید

صحیح است مسح نمودن باب دست راست که از شستن

دست چپ در کف باقی مانده هر چند خود دست

راست را بفرو بردن در آب شسته باشد و عمل ناس

هم همین است **جواب** مراد از رطوبت دست راست

ان رطوبتی است که از اعمال در وضو بر او است و منظور بعضست

این با نجاة العباد واختلافی نیست میانه آنچه گفته

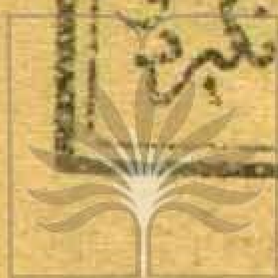
شده و آنچه در نجاة العباد است حواله در انفهمیده اند

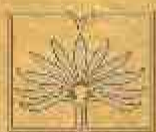
بلی در صورتیکه اعمال نشده دست راست در غسل

دست چپ البته باید که از رطوبت که بر او است

مسح سر و پای راست نماید و از دست چپ نگیرد

همچنین





همچنین بعد از فراغ از شستن دست چپ عود کرد
و بجهة مسح رطوبت از دست چپ نگیرد مسئله ۱۹۴
شخص مصلی حمل نجس کرده بو مثل اینکه در جیبش
باشد یا در کمر خود آویزان کرده باشد و در حین
نماز فراموش کرد و نماز خواند و وقت نماز هم تمام
است نماز او صحیح است یا نه جواب بسم الله الرحمن
الرحیم دور نیست صحت و واجب نبودن قضاء اگر
چه مراعات احتیاط اولی است مسئله ۱۹۵ شخص مصلی
لباس او تمام نجس است و بدنش هم نجس است و آب هم
نیست که ازاله نجاست از لباس و بدنش نماید چه یک
روز و یا ده روز یا یکسال کمتر یا بیشتر باشد و نماز
هم بتیمم خوانده است یا نماز او صحیح است یا نه جواب
اگر تکلیفش همین بوده صحیح است اعاده وقت ندارد
مسئله ۱۹۶ مصلی لباس او نجس است و در جائی هم

بر

که کرده است و منحصر است بهمان لباس و وقت نماز
او هم تنک شده و نمیتواند هم از تن خود بکند آیا نماز
با آن لباس صحیح است یا نه **جواب** صحیح است ۱۹
شخص نماز شب میخواند اگرچه دو ساعت از شب
گذشته باشد آیا میتواند نماز شفع و وتر هم بخواند
یا نه **جواب** میتواند **مسئله** ۱۹۸ شخصی از کمر تا
زانوی او نجس است و زیر جامه او هم نجس است و
دسترس بآب هم ندارد و یقین دارد که تا غروب
بآب نمیرسد جایز است بعد از ظهر تیمم کند و نماز
کند یا نه و نمیتواند زیر جامه هم از خود جدا کند
جواب احتیاط در تاخیر است **مسئله** ۱۹۹ شخص
مصلی نمیدانست که لباس او نجس است و در حین
نماز فهمید و وقت او هم تنگ است اگر نماز را هم بزند
نماز او قضا میشود بهمان طور نماز بخواند صحیح است

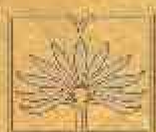
باشد **جواب** اگر شروع در نماز وقتی بود که اگر
متذکر میشد تکلیفش همین طریق بود نمازش صحیح است
ظاهرا و حال هم که متذکر شد باید مراعات تکلیفش
را در حال نماید که آیا انداختن آن لباس است و اگر
ساتر عورت او است برهنه نماز کرده است یا بهمین طریق
وهمین لباس نماز کردنیست و اگر شروع در وقتی
کرده که تکلیفش غیر از این طریق که کرده بوده احوط
اتمام است وقضا باید بکند والله تعالی العالم
مسئله ۲۰ اگر شخص استبراء کرده باشد بیک دفعه آب
بریزد باب شاداب آیا پاکست یا نه **جواب** بنا
بر اعتبار تعدد اکتفا بیکمرتبه زیاد آب بریزد مشکلست
باید تعدد بهم رسد علی الاحوط **مسئله ۲۱** پلو که می
پزند وصاف میکنند ودر حین ریختن در دیک
کشمش سرخ نکرده در پهلوی او میریزند حرام است یا

حلال



حلال جواب حلال است انشاء الله تعالی مادام که
علم بهم نرساند بجوش آمدن مغز کشمش اگرچه بواسطه حرارت
یا آب باد کند و اگر علم بجوش آمدن بهم رساند اشکال است
و احتیاط کند یا رجوع بغیر نماید ۲۰۲ مسئله هرگاه
بدن شخص یا لباسش نجس بود بنجاستی که معفوّ است
در صلوة و در حین شروع در نماز یا در اثناء نماز
شکّ دارد که آیا از حدّ عفو خارج شده است یا نه
مثل اینکه کمتر از درهم بود شکّ دارد که آیا زیاده
از آن مقدار شده است یا نه تجسس نمودن لازم است
یا نه و بر فرض عدم لزوم هرگاه بعد از نماز معلوم شد
که از آن مقدار معفوّ خارج شده است نمازش صحیح است
یا نه جواب تجسّس لازم نیست و بعد از نماز هم اگر
معلوم بشود خروج از آن مقدار نمازش صحیح است
۲۰۳ مسئله اگر کسی نذر کند که در عاشورا یا تمام

محرّم



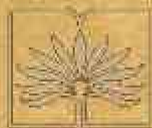
محرم و صفر را لباس سیاه بپوشد یا نه در شرع چه صورت
دارد **جواب** بعید نیست انعقاد **۲۰۴ مسئله**
حاکم هرگاه مالیات دیوانی مثلا یکصد تومان
امانت بگذارد در نزد شخصی یک شب یا دو شب و آن
شخص امین جاهل بود و قبول نمود بعد امانت گذارنده
گرفت آیا آن شخص امین ضامن میباشد یا نه و بر فرض
ضامن بودن بچه قسم خود را خلاص نماید **جواب**
بلی ظاهر این امر است و باید خود را خلاص نماید و
رجوع بامانت گذار مینماید و در مسئله رجوع تعیین
نماید **۲۰۵ مسئله** مقدمه حرام حرام است یا نه
مثل آنکه شخص طلبه علم یا ظن دارد که اگر
تا نصف شب مثلا بنشیند و مطالعه نماید نماز
صبحش قضا میشود **جواب** در مثال مفروض احتیاط
نمایند و اصل مسئله اصولیه استحاله محال از گرش

نیست



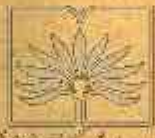
نیست مسئله ۲۰۶ هرگاه شخصی در حال مرض بگوید
بحاضرین که ثلث مال مرا بعد از موت من در فلان مصرف
خرج نمائید و تعیین وصی ننمود آیا وصیتش نافذ است
یا نه و بر فرضیکه فائده داشته باشد که باید بوصیت
عمل نماید جواب هر که خطاب نموده بعمل آورد ۲۰۷ مسئله
هرگاه پدر زنی عقد کند از برای پسر صغیر و متوفی
شود پسر و مالی هم نداشته باشد آیا مهر بر پدر لازم است یا نه
جواب بلی مهر بر پدر لازم است و تمام آنرا باید بدهد
مسئله ۲۰۸ اجرت گرفتن در عقد جایز است یا نه
جواب بلی جایز است مسئله ۲۰۹ هرگاه کسی بعد
از دخول وقت فریضه و قبل از اتیان بفریضه زیارت
خواند میتواند نماز زیارت بخواند یا نه و کذا سایر
نمازهای مستحبی جواب منع نمیکنم لکن خلاف
احتیاط است مسئله ۲۱۰ در بلاد عجم که سر ولیتا

بعد



بقدر چهار انگشت نقره میگیرند استعمال این چه حکم
دارد **جواب** خوبست احتیاط نمایند **مسئله** ٢١١
نماز سلسلة الذهب یکنفر بیشتر از دو رکعت میتواند بجا آورد
یا نه **جواب** منع نمیکنم و مضایقه ندارم لکن فتوی
نمیدهم رجوع بغیر نمایند **مسئله** ٢١٢ شخص پارچه
داد برنگرز بعد معلوم شد که بنیل غصبی رنگ شده است
آیا نماز خواندن با آن پارچه چه حکم دارد **جواب**
بدون اذن صاحب نیل با بقاء عین نیل و عدم جریان
حکم تلف براو مشکلست **مسئله** ٢١٣ هرگاه شخصی چوب
از درخت غیر برید بدون اذن صاحب آن و بدرخت
خود پیوند نمود یا در ملک خود غرس نمود آیا از پیوند
و درخت غرس شده چه حکم دارد **جواب** ظاهر
اینستکه غصبست و احکام غصب برآنجا جاری است
مسئله ٢١٤ هرگاه شخص از حلیله خود پاره شوخیها





واختلاط نمائی توقع نماید واو از باب شرم وسستی یا
غلبه نوم از احرام تجاوز نماید آثمه است یا نه جواب
بر زن واجبست اطاعت شوهر از هر گونه استمتاعی
که شرعا جایز است مگر عذر شرعی داشته باشد لکن
شوهر هم باید عاقل باشد همه وقت همه کار نیست
مسئله ۲۱۵ اگر کسی از قبل منکوحه وکیل شده است و
ایجاب را واقع سازد واز قبل خودش دیگری را وکیل
نماید که قبول نماید جایز است یا نه جواب
معلوم نیست که مانعی داشته باشد مسئله ۲۱۶
زید نامی از بلد بعید می آید از جانب زینب یا عمرو
مثلا وکیلست که اجراء صیغه عقد نماید آیا
این عقد صحیح است یا باطل و بر فرض صحت این عقد
فضولیست و موقوف بر اجازه است یا وکالتی است
و حال آنکه وکالت ثابت نمیشود مگر بشهادت عدلین

جواب

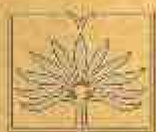
جواب احوط اجازه است مسئله ۲۱۷ پدر از جانب
صغیره میتواند مهر را ببخشد و طلاق بگیرد یا نه
جواب با رعایت مصلحت میتواند و محتمل است
کفایت عدم مفسده مسئله ۲۱۸ طفل نابالغ اگر مثلاً
بگوسفندی وطی کند چه حکم دارد جواب ظاهراً
فرقی میان بالغ و نابالغ نباشد مسئله ۲۱۹ ضعیفه
باکره قبل از دخول معلوم شد کراهتش عند العقد
عقد صحیح است یا نه جواب حکم فضولی دارد اگر
مکره بوده است مسئله ۲۲۰ دلاک کمرک
مس بدست ضعیفه اجنبیه را جایز است یا نه
جواب در حال ضرورت بقدر ضرورت جایز است
مسئله ۲۲۱ هرگاه یکی زنی عقد کند از برای پسر صغیر
خود و مهر را بر ذمه صغیر قرار دهد و صغیر متوفی
بشود در باب مهر حکم الله چیست جواب اگر پسر

مال



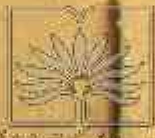
مالک چیزی بوده است در حین موت باید مهر از مال
او داده بشود والا بذمهٔ پدر منتقل نمیشود مسئله ۲۲۲
آبیکه زیاد از کر نباشد و کمتر هم نباشد انسان یا
کلب در آن بول نماید یا خون یا نجاست دیگر در آن
بریزد که قدری از آن تغییر بدهد آیا کر نجس میشود یا نه
جواب در جمیع صور نجس میشود مسئله ۲۲۳ شخصی
را که بسفر میرود بجهت زیارت لابد حیوان سواری خود
اذیت میکند و یقین دارد که در عرض راه بعضی
معاصی مرتکب خواهد شد یا میداند که نقصان
بنمازش میرسد مثل اینکه گاهی با لباس نجس یا بدن
نجس باید نماز کند یا آنکه بی وضو نماز بخواند آیا چنین
سفر جایز و مباح است یا نه جواب هرگاه سفر
بطریق متعارف باشد جایز است و اذیت حیوان
بقدر ضرورت ندارد مسئله ۲۲۴ ختنه نمودن شرط است

از برای

ادبرای صحت حج یا نه جواب بلی شرط است مسئله ۲۲۵
تکرار در مسح چه حکم دارد جواب تکرار در مسح
نیست بلی هرگاه بجهت اینکه یقین نماید تکرار نماید
ضرر ندارد ولکن مراعات نماید که دفعهٔ ثانیه که
بجهت تحصیل یقین مسح میکند برطوبت دست باشد
نه برطوبت پشت پا مسئله ۲۲۶ هرگاه شخصی در حال
رکوع یا سجود قصدش ذکر کبری بود در حین گفتن
سبحان قصدش برگشت بذکر صغری آیا میتواند همین
سبحان را با انضمام الله یکی از سه ذکر قرار دهد یا نه
جواب مشکل است مسئله ۲۲۷ در دهاتی که
منحصر است صحیح القرائة بدو سه نفر مثلا و باقی قرائت
خود را درست ندارند آیا نماز لیلة الدفن میتوانند
بکنند یا نه جواب نمیتوانند چنین کسان باید
بواجبات خود بپردازند مسئله ۲۲۸ هرگاه شخص





مدتی مشغول نماز قضا بود بعد از آن ترک نمود حال اراده
قضا دارد بعد اندیشا بتو انچه نمازی قطع و ترک نموده است
چکند جواب چهار نماز از یکشبانه روز هر یک جدا جدا
بجا بیاورد و بعد بترتیبی که داشته است مشغول شود
مسئله ۲۲۹ حب و امثال ان مثل کوزه و قلیان و چوب
که جوف انها نجس شده باشد هرگاه در سایه دو مرتبه
خشک بشوند و اب کر یا جاری در جوف انها نفوذ
نماید طاهر میشود یا نه جواب بلی طاهر میشود مسئله ۲۳۰
هرگاه حیوان انسانی را یا حیوان دیگر را بکشد یا
حکم الله چیست جواب ظهر و اشهر اینست که هرگاه
مالک حیوان در محافظت حیوان تقصیر کرده باشد
باید دیه مقتول و قیمت حیوان بدهد و هرگاه تقصیر
نکرده باشد بر او چیزی نیست مسئله ۲۳۱ قضی
هرگاه مشغول شستن دست چپ بود برخواست مثلا



ده

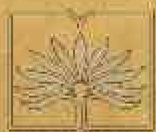
ده قدم یا زیاده رفت بجهت نکرر تکبیره کند بجائی چه
حکم دارد **جواب** وضو عیبی ندارد لکن فصل
طویل هم نشود چون متابعت هم لازم است علی الاحوط
گرچه ترکش ضرری بوضو ندارد مادام که جفاف در سابق
حاصل نشده باشد **مسئله** ۲۳۲ هرگاه شخص مصلی
الصالحین را غلط بگوید یا لازم است از ما قبل اعاده بکرد
یا نه **جواب** اگر موالات بهم نخورده است همان را
اعاده نماید **مسئله** ۲۳۳ هرگاه شخص نماز ظهر و عصر را
بجا آورد بعد یقین نمود که یکی از این دو نماز را در سه
رکعتی سلام داده است تکلیف چیست **جواب**
ظاهر اینستکه اگر یک نماز چهار رکعتی بجا بیاورد
بقصد ما فی الذمة کافی باشد اگر منافی بعمل آمده
باشد که عمدا و سهوا منافی است **مسئله** ۲۳۴ هرگاه
کسی در رکعت سیم در حال قیام یقین کند که دو سجده

از او



از او فوت شده و شک کند که آیا دو سجده از یکرکعت
فوت شده یا از دو رکعت چکند **جواب** اگر احتیاط
نماید باینکه قیام را هدم نماید و اتیان بسجدتین نماید
و نماز را اتمام کند و قضاء یک سجده را بعمل آورد با اتیان
بدو سجدهٔ سهو از برای احتمال آنکه شاید احدی السجدتین
از رکعت اولی باشد پس از آن نماز را اعاده کند بری
الذمه است **مسئله** ۲۳۵ شخص آبی دارد که بتنهائی کفایت
از وضو و غسل نمیکند لکن هرگاه شیء مضافی داخل نماید
در آن آب بر وجهی که از اطلاق بیرون نرود کفایت
احدهما میکند آیا واجبست یا نه و هرگاه داخل نمود
عملش چه حکم دارد **جواب** بلی داخل نماید علی الاحوط
و اگر ترک نمود و تیمم نمود اعاده نماید خوبست بلکه
بعید نیست که اقوی باشد **مسئله** ۲۳۶ هرگاه کوچه
سربسته باشد و در خانه زید در ابتداء کوچه باشد



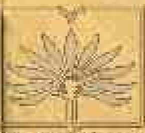


و در خانه عمرو در وسط کوچه ابا عمرو میتواند بدون
اذن زید خاشاک و خاکروبه خود را در محاذی در خانه
خود و پائین تر یا بالا تر بریزد و بر دارد یا نه جواب
احوط بلکه اظهر اینست که بدون اذن صریح زید یا شاهد
حال برضای او نکند و در اینمسئله اشکال بسیار است
مشهور میان علماء اینستکه اول کوچه که داخل میشوند
مال زید و عمرو است بالمشارکه تا بدر خانه زید و
از در خانه زید مال عمرو است تا بدر خانه عمرو و از
در خانه عمرو که گذشت آن زیادتی که در آخر کوچه
است مشترک است میان هر دو و قول دیگر این است
که هر دو در مجموع شریکند و مسئله
محتاج بتامل است

۲۲۲ مسئله در جواب سؤال از قند و غیره

اینکه نوشته بودید از ترتیب مفاسد بر حال الناس از

[illegible]



بلاد کفر محروسه ایران صانها الله تعالی عن حوادث الزمان
صواب و همیشه ملتفت بآنها و اضعاف آن که مایه خرابی
دین و دنیای مسلمین است بوده ام و از اقدام شما در
همیشه دفع آنها که باید از محض غیرت دین و خیرخواهی مسلمین
باشد زیاده مسرور شدم و البته هر وسیله که ممکن
باشد دفع این مفاسد باید بشود در اعصار که دولت
و ملت در یک محل مستقر بود چون زمان حضرت ختمی مآب
صلی الله علیه و آله و سلم تکلیف سیاست در این قسم
از امور عامه در عهده همان شخص معظم بود و غالب که
باقتضای حکمتهای الهیه جل ذکره هر یک در محلی است
در عهده هر دو است که باعانت یکدیگر دین و دنیای
عباد را حراست کرده بیضه اسلام را در غیبت ولی
عصر عجل الله تعالی فرجه و صلی الله علیه و علی آبائه الطاهرین
محافظت نمایند و با تقاعد و کوتاهی از یک امر معوق

ورعیّت با امثال این بلاها مبتلا میشوند و چونکه از
ملّت جز گفتن و تحریص و تخویف و تهدید امری دیگر
بر نمیاید و انفاذ و اجراء با دولتست تا از دولت
کمال همراهی را نبینند اقدام نمیتوانند نمود و اگر ببینند
بتکلیف لازم خود اقدام دارند و در صدد برون آمدن
از عهده آن کما ینبغی میباشند البته ملّت آنچه بر او و شایسته
از او است خواهد کرد و چگونه نکند که خود را از جانب
ولی عصر عجّل الله فرجه منصوب بر این امر و حافظ دین و
دنیای رعایای آنجناب و مسئول از حال ایشان میدانند
و باید تمام مجهود خود را در نگاهداری اینها مبذول
دارد و آنچه در اینمقام مورد این تکلیف است غیر از احکام
کلیه است که آن وظیفه عالمست لاغیر و غیر از موضوعات
شخصیه مثل نجاست چیز خاص و حرمت آن که آنهم عالم
و عامی و مجتهد و مقلّد در آن یکسانند که هر یکی آن

تکلیفش



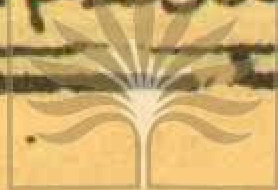
مکلفین اگر علمی یا طریقی دارد بان عمل میکند و اگر ندارد
و نزد او داخل در مشتبه است که شارع مقدس حکم
ازاد در مقام عمل بطهارت و حلیت مقرر فرموده ولکن
عجب است از اقبال طباع در خوردن مثل قند مجلوب
ازان حکه با شیوع این همه اخبار چنانچه اینجانب محض
استماع این قذارات بالطبع متنفر و از خوردن ان
مجانبت میکنم انشاء الله تعالی بلکه مورد مذکور باب
سیاسات و مصالح عامه است و تکلیف در اینباب
عمده بر ذوی الشوکه از [illegible] همین است که با عزم محکم
مبرم در صدد رفع احتیاج خلق باشد بمهیا کردن
ما یحتاج الیها چه جای ترک اموریکه در ازمنه متطاوله
عادت شده از اهل اینزمان نیست و منع فرماید نفس
خود و عشیره از غیر ان بلکه منع از ادخال در مملکت خود
نماید و بر این تقدیر انشاء الله تعالی اینجه تکلیف است



درمقا

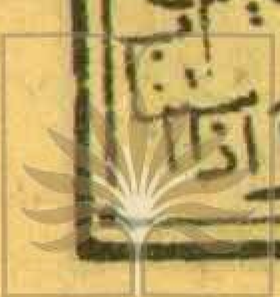
در مقام پیشرفت این امر از بیان و اعلان و بیخوان کوتاهی
نخواهد شد بحول الله تعالی و قوته نسئل الله تعالی اعزاز
الدین و نصر المؤمنین و قطع دابر المعاندین ادام الله تعالی
۲۳۹
توفیقکم والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته سؤال
شخصی مسجدی ملکی ساخته چند قطعه زمین وقف کرده از
جهت موقوفه که خانه و دکان بسازد و چند قطعه از آنها را
خانه و دکان بنا کرده است و خالی ناتمام است و واقف
مرحوم شده است و در حیوة خودش متولی هم قرار داده است
و چند قطعه از آن زمینها بایر و لم یزرع است چیزی عاید
نمیشود از آنها بجهت موقوفه و آنهائیکه ناتمام است خراب
میشود آیا متولی میتواند از آن زمین مذکوره که لم یزرع است
بفروشد و پولش را صرف تمام شدن آن ناتمامها کند که
بطلاب بمصارف موقوفه چیزی عاید شود جواب
بعید نیست اگر منفعتی نداشته باشد والله تعالی العالم

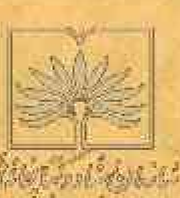
سؤال





۲۳۹ سؤال الجسم الزائد النابت فی مواضع المسح داخل فی حکم
الممسوح وان تدلّی عن العضو الممسوح اوّلا الجواب ان لخرج عن
حدّ الوضوء لا یجزی المسح علیه س ۲۴۰ اگر کسی مصالحه کرد
با زید و قرار داد که تا ده سال اختیار فسخ مصالحه با او
باشد دو سال نشده فوت شد آیا وارث میتوانند فسخ
مصالحه نماید یا نه جواب حق خیار بارث میرسد اگر
باطلاق واگذاشته شده باشد السؤال ۲۴۱ مسّ المیت
مراعی فی ترتب احکامه کونه مجزء تحلّه الحیوة ماسا وممسوسا
اولا بل حکم ما لا تحلّه الحیوة حکم ما تحلّه مطلقا او فی الجملة
الجواب الاحوط ان لم نقل اقوی ترتب الاحکام مطلقا
اذا صدق المسّ السؤال ۲۴۲ حکم بدلیة التیمم عن الوضوء
والغسل هل یختص بالرافع للحدث منهما او یتم غیره ایضا مطلقا
او فی الجملة الجواب لا یبعد الاختصاص وان یتیمم
رجاء لا باس انشاء الله تعالی السؤال ۲۴۳ اذا





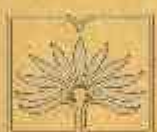
فی التیمم للعجز عنه ایضرب للنائب بکفیه ام یکفی المنوب عنه
الجواب المتعین مع التمکن کف المنوب عنه الا فی المیت
السؤال ٢٤٤ ایعتبر کون ما تیمم به ترابا او یکفی منه
مسمی الارض ثم یجب عاییة العلوق فیه ام یندب الجواب
الاحوط مراعاة الترتیب ولا یعتبر العلوق السؤال ٢٤٥
خبر العدل الواحد یکفی فی الحکم بالنجاسة الجواب
الاحوط ذلک السؤال ٢٤٦ اخبار صاحب الید
بالنجاسة کاف فی الحکم بها وان کان غاصبا او غیر مسلم
ام لا الجواب الظاهر الکفایة السؤال ٢٤٧ الظن
بنجاسة المجتمع من غسالة الحمام یعول علیه فی الحکم بنجاسته
ام لا بل هو کغیره من سایر الظنون التی لا تعویل علیها
الجواب لا یعول علیه ان کان الاحوط الاجتناب السؤال ٢٤٨
لو شک فی سلب الاطلاق بممازجة الماء بطاهر فهل
یحکم ببقائه مطلقا وان کان مع احتمال غلبة الممتزج وبقاء





اسم او لاج لايبعد الحكم بالأطلاق س ٢٤٩ الماء
المعتصم بالمادة هل يطهر بمجرد زوال التغير عنه او لا بل
لابد في الحكم بطهارته من زوال التغير بتدافع الماء الخارج
من المادة وامتزاجه معه الجواب لابد من التدافع والامتزاج
السؤال ٢٥٠ زوال عين النجاسة عن الحيوان الصامت
مطهر لمحلها اولا الجواب لايبعد ذلك ولكن الأحتياط
مراعات احتمال اصابة الطهر السؤال ٢٥١ اذا جفت
بلة الكف فهل يجوز الأخذ من مسترسل اللحية للمسح ام لا
الجواب الأحوط بل الأقوى العدم السؤال ٢٥٢ في
وضوء الجبائر اذا ارتفع العذر قبل الأتمام او بعده فهل
يجب الأستيناف واعادة الوضوء وعليه فان كان
ارتفاع العذر بعد الدخول في الصلوة وقبل اتمامها
فالحكم ايضا كذلك ولا يجب الأعادة هنا مطلقا او
مخصوص هذه الصلوة المدخول فيها واما غيرها فالأعادة





لها اجبة ج اما قبل الدخول فیصح و بعد یحتاج
الی التأمل س ۲۵۳ شخصی فوت شده است و صیت
کرده است که دو دانک خانه ثلث خودم هست هر یک
از اولاد من بنیابت من مکه رفت ان دو دانک مال
او باشد و بخط و مهر خودش بنا کتابت هست بانه
تا مباشد کرده در ان وصیت نامچه که اگر از اولادها
نرفته اند فلان شخص وصی منست که ان دو دانک را
بفروشد بجهت و نیابت حج بگیرد و بعد از فوت او ان
وصی میتواند رد وصایت بکند یا خیر و یا امضاء ثر
لازم هست یا خیر اگر از اولادها او بروند حج **جواب**
اگر وصیت صحیح است باید عمل شود بر طبق ان اگر اولاد
او لا دو رفتند فیها والا وصی باید بفروشد و نایب
بگیرد و رد نمیتواند نماید بعد از انکه قبول کرده باشد
یا مطلع شده باشد بر وصیت بعد از وفات و امضای



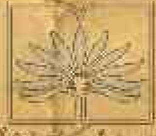
در ثر



ورثه ضرری نیست والله تعالی العالم س ۲۵۴ چه
میفرمایید در خصوص شخصی که در حال حیات خود وجهی از
اصل مال خود تعیین کرده بجهة صوم و صلوة بعد و وصیت
بثلث کرده و مصارف ثلث را هم تعیین کرده بعد از فوت
او ورثه اجازه و اذن ندادند و ثلث آن وجه معین را
صوم و صلوة دادند و دو ثلث دیگر را ورثه بردند آیا
میتواند وصی بقیه صوم و صلوة را از ثلث میت بدهد
یا نه جواب عدم اجازه ورثه در زاید بر ثلث سبب عدم
نفوذ وصایای اخیره است که با ملاحظه وجه معین بجهة
صلوة و صوم از ثلث زیادتر شده بنا بر این دو ثلث
از وجه معین اگر ورثه برده اند از ایشان باید گرفت
و معادل آن از ثلث معین شده بایشان داد والله
تعالی العالم السؤال ۲۵۵ ایعتبر فی الحکم بطهارة
الرطوبة الباقیة علی المغسول بعد انفصال ماء الغسالة

ان تكون بحيث لا ينفصل عنه مع عصره بقوة ام لا بل يكفي في الحكم بالطهارة انفصال الغسالة عن المغسول على حسب المتعارف وان كانت الرطوبة المتخلفة على المغسول قابلة للانفصال ايضا ج لا يعتبر س ٢٥٦ المباشر للعصير ونزح البئر وتغسيل الميت تطهر ثيابه وبدنه بالتبعية من النجاسة العارضة بالمباشرة ام لا ج في الثياب والبدن غير الاعضاء الذي يباشرها الغسل والنزح اشكال س ٢٥٧ تيمم الميت عند فقد الماء مطهر في جميع الاحكام ام لا وعلى الاول فهل تعود النجاسة بوجدان الماء ووقت الغسل باق ام لا الجواب لا تترتب الاحكام السؤال ٢٥٨ غيبة الانسان مطهرة له مطلقا او مع العلم بالنجاسة واحتمال التطهير الجواب الاحوط اضافة صدور فعل منه لا يأتي به الا مع الطهارة س ٢٥٩ العصير تقع فيه النواة او الحصرم





بعد قلنا انا او قبله فعلى مصاحبا لها ثم يستحيل حالة

هو كذلك او هو نجس حينئذ ام طاهر **الجواب** الظاهر

طهارته امثال ذلك س ٢٦٠ المتولد من كافرين بالزنا

من الطرفين اطاهر هو ام نجس وعلى الثاني فالمتولد من مسلم

وكافرة او كافر ومسلمة كذلك او هو كذلك ام هذا طاهر

وان قلنا بنجاسة الاول **الجواب** لا يبعد الحكم بالطهارة

وان كان في اصل ولد الزنا مطلقا قول بالنجاسة

السؤال ٢٦١ لو امتزج الماء والنجاسة الواقعة

فيه بظاهر يوافقها في الصفات وعلم ان النجاسة الممازجة

تستقل بتغيير الماء لولا ممانعة الموافقة من ظهوره

في الماء فهل يحكم بطهارة الماء او نجاسته **ج**

في النجاسة الخالية عن الصفة لا ينفع التقدير وفي غيره

لا يبعد ذلك على اشكال في بعض الصور س ٢٦٢

صدق الوحدة كاف في عصمة الكر وان تخالف سطوح

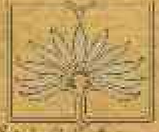
الماء

الماء او لابد من تساوی سطوحه فی المعتصم مع بكفی
س ۲۶۳ الكر بحسب المساحة ما يحصل من تكسير ثلثة
اشبار فی كل من الطول والعرض والعمق او الحاصل من
ذلك مع اضافة النصف الی كل من الابعاد الثلثة الجواب
يضاف النصف ولا يترك الاحتياط ايضا س ۲۶۴
الماء المعتصم بالمادة اذا تنجس بالتغير فهل يطهر بمجرد
زوال التغير عنه حال اتصاله بالمادة او لا الجواب
نعم الجواب السؤال ۲۶۵ ايرتفع الحدث بغسالة
الجنب والخبث بماء الاستنجاء ام لا الجواب الاحوط
عدم الاجزاء ولا يترك الاحتياط فی محله السؤال ۲۶۶
اذا صب الماء علی العضو غير المتوضئ فاجريه المتوضئ عليه
مع نية الغسل به لا بالصب فهل يوجب ذلك خللا ج
الظاهر انه لا يضر بالوضوء ان يقصد ولكن كره او حرم
السؤال ۲۶۷ بدء المكلف فی غسل الوجه بالاعلی ثم

نكس



نكس في الاثناء فهل يوجب ذلك وان كان يسيرا افساده او
عليه فالمدار في غسل الاعلى فالاعلى على غسل كل جزء هو
عال بالنسبة الى ما يسامته من الاجزاء السافلة عنه قبلهما
وهكذا او لابد وان لا يقع غسل شئ من الاجزاء السافلة
قبل شئ من الاجزاء العالية مطلقا وان لم يكن مسامته
وحكم الغسل عرضا حكمه منكوسا ام لا **الجواب** الظاهر
الاجزاء بما يتحقق معه الغسل من الاعلى الى الاسفل عرفا
من دون تدقيق سواء في ذلك المسامت وغيره ولا بأس
بالغسل عرضا **السؤال ٢٦٨** مسح الراس والرجلين باليمنى
متحتم او يجوز ذلك فيهما او احدهما باليسرى **الجواب**
الاحوط الاول **السؤال ٢٦٩** اذا كان على القدم
في محل المسح شعر مانع من ايصال البلة الى البشرة فهل يجب
استبطانه **ج** الاحوط لو لم يكن اقوى الاستبطان
س ٢٧٠ لو شك المكلف في وجود حاجب على اعضاء



وضوئه مانع من ايصال الماء الى البشرة او علم بوجود شيء مع
الشك في حاجبيته فهل يجب عليه الفحص او يبني على العدم
ج لا يبعد الاكتفاء بالظن اذا كان مسبوقا بعدم الحاجب
واما الشك في الحاجب مع العلم بالوجود فلا بد من العلم
س ٢٧١ الشعر الخفيف النابت في الوجه يجزي بغسل ظاهره
او لا بد مع ذلك من غسل ما تحته معه ج لا بد من
الغسل مع علم الاحاطة س ٢٧٢ الحركات والسكنات
القرائية كحرف في اشتراطها بالطهارة او لا او على
الثاني المد والتشديد منه او كالاول وهل يسري
الاشتراط في اسم الله وصفاته الخاصة واسماء الانبياء
والاولياء او لا ثم الحكم في الالفاظ المشتركة كزيد مع قصد
الكاتب له الله ومن على الاول فما الحكم في مجهول القصد و
المعلوم انه سماه لا عن قصد بان كان بحركة اليد او
مع الذهول عند تسميته هل يعتبر في الحكم في الواقع بين

كونها

١ الجواب
بسم الله الرحمن الرحيم
نعم ميرزا

٢ الجواب
بسم الله الرحمن الرحيم
نعم ميرزا

٣ الجواب
بسم الله الرحمن الرحيم
الظاهر نعم ميرزا

٤ الجواب
بسم الله الرحمن الرحيم
الاحوط ذلك
ميرزا

٥ الجواب
بسم الله الرحمن الرحيم
وهو هو المتعين
ميرزا

٤ الجواب
بسم الله الرحمن الرحيم
في غير المختص يحكم
بالعدم ميرزا

كونها منقطعة وغير منقطعة وفي المرسوم بين كونه نقشا

على الجسد ومكتوبا على غيره اولا بل الحكم في الكل واحد و

ما لا تحله الحيوة يشارك غيره في المنع مطلقا اولا مط

او هناك تفصيل **السؤال ٢٧٣** في الغسل الارتماسي

زمان النية مقارن لزمان الاشتغال او لوصول اول

جزء من البدن الى الماء **الجواب** الاحوط الجمع س ٢٧٤

يغسل العورة في الغسل بعد اتمام الشق الايمن ويبتدء

في غسلها بشقها الايمن ام لا بل يكفي غسلها مع الجانبين

باي كيفية كانت **الجواب** كلاهما جايز س ٢٧٥

يجوز في لبث الجنب والحايض لاجتياز في الروضات المقدسة

ام لا **الجواب** اشكال س ٢٧٦ ايجب على المغتسل

ان يغسل اولا النجاسة عن جميع جسده ثم يشرع بالغسل

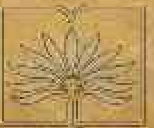
طاهر الجسد او يكفي غسل النجاسة عن المحل الذي يريد

اجراء ماء الغسل عليه ليجري على محل طاهر وان كان

٧ الجواب بسم الله الرحمن الرحيم الظاهر العدم ميرزا

٨ الجواب بسم الله الرحمن الرحيم الظاهر في ذلك [illegible] عدم المس ميرزا

نجسا



نجاسة ج لا يجب الا تطهير ما يحاول غسله س ٢٧٧
هل يجزي المسلوس والمبطون في كل صلوة وضوء واحد
وان فاجئهما الحدث في الاثناء او لا بد حينئذ من التطهر
والبناء على ما فات وهل يجب عليهما تحري زمان خفة
الحدث كما يجب عليهما انتظار زمان الفترة او لا ج
الاحوط الجمع بان يصلي صلوة بوضوء واخرى بالتطهر و
البناء متى ما عرض في الاثناء والاحوط تحري زمان
الفترة **السؤال ٢٧٨** هل يكفي الغسل مرة في الاستنجا
من البول **الجواب** الاحوط عدم الاجزاء في البول
السؤال ٢٧٩ في الاستنجاء بالاحجار والخرق وما
ماثلها يكفي مراعات الجهات في المسح او لا بد من قطع
ثلث منفصلات **الجواب** لا بد من الثلث **س ٢٨٠**
يجوز للمكلف وضوء التقية مع تمكنه من الخروج عن محلها
والوضوء في الخارج ام لا **الجواب** الظاهر عدم الوجوب

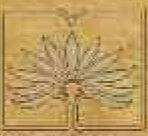


اینچه که گما برده الذابین سلمان هفت سله هزار دینار سله بیع هزار بند

ابرا
سیر

اذا کان بحسب المتعارف سؤال ۲۸۱ چه میفرمائید در
پول منفعت دادن در صورتیکه صیغه نخوانند جواب
ربا حرام است چه صیغه خوانده شود و چه نشود اگر
تدبیری بکنند که ربا نباشد باید ملاحظه نمود آن تدبیر را
شاهست مصالحة آن هم کفایت کند سؤال ۲۸۲
عرق جنب از حرام پاکست یا نجس جواب رجوع بغیر نمایند
ولا اقل نماز در آن نکنند سؤال ۲۸۳ خرید و فروش
در مسجد و در صحن قبور ائمه علیهم السلام جایز است یا
حرام است جواب مزاحم نباشد و باید چیزیکه منافی
انجاست نباشد سؤال ۲۸۴ تشبیه بغیر مذهب از
بابت لباس و چهار کشیدن و غیره تشبه است و بدعت
یا خیر جواب در حدیثست که لا تلبسوا ملابس اعدائی
ولا تطعموا مطاعم اعدائی ولا تسلکوا مسالک اعدائی
فتکونوا اعدائی کما هم اعدائی لکن شرح اینمطلب تفصیلی

دارد



خارج منهم وری ۲۸۵ سؤال نیست مجاز آنحال که دارد

مذهب بودن چه صورت دارد جواب مجتهد بودن

ضرر ندارد سؤال ۲۸۶ کسیکه روزه یا نماز قضا

بذمه اش باشد میتواند روزه و نماز مستحبی بکند

جواب بلی نماز منع نمیکنم و مضایقه ندارم س ۲۸۷

اینجا بنای آن دارند که مذهب مقلد خود تا که جمیع

تغییر کنند یا چند مسئله جواب ... احتیاط

شده یا فتوی بوده مضایقه نیست س ۲۸۸ از جمله

مصارف وقف یا وصیت سهمی بجهت فقراء ارحام

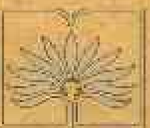
مثلا بعضا صلحی بجهت ارحام بعضا غایب و حاضر و

دو هزار ... نفر یا چنانچه یا نشود بحاضرین و غا

قسمت شود لا به ضم تقصیر نصیب اشد وقف یا ثلث میتوانند

ببعضی ... میتوان داد چنانچه منضم ...

است یا نه جواب چنان است که ...



از حدیث نوفلی روایت دیگر هم هست در باب وصیت

که خالی از دلالت نیست ص ۲۸۹ ما لکی وقف اولاده کرد

بود ممکن زمانی طبقات لاحقین تقسیم نموده هر کس سهم

خود را فروخته به پولش اخرج کرده یکی از آن طبقه اولاد

سهم خود را تجویز نمیکند مساوی المنفعه باجاره کرد

و فروخته و جهش را ملکی با بیکبر دو ممکن نشد الاقرب

فالاقرب وصیت نموده که ورثه او بکبیر دو ممکن نشد

بان وجه جزئی ملکی که منتفع توان شد یا اگر ملکی که فیه

شود داخل جزئی همه سپس بسا بر ره خدی حق میباشند خیر

تکلیف را بیان فرمایند که ملا صوبه قسم است آیا ثواب

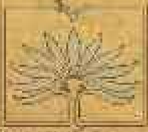
نمیدانم چگونه تجویز کرده اند مسلوب المنفعه بودن را

باجاره بر نقد بر صحت استعمال چون تقسیم سهو جبرا اگر

داخل جزء سهم شریک شد علی الظاهر ص ۲۹۰ متولیست

ملک وقف بعد از متولی خاص با اعلم و اتقای اهل بلد

فصلیه



معلوم است یا مختص بعد از متولی خاص است که بعد از
این طبقه یا ولی عام است چه از بلد یا غیر یا خیر در هر زمان
اعلم اتقی باید ملحوظ بشود و تعیین اعلم و اتقی در غایت
اشکال است در زمانی بعد زمانی یا معروفیت در بلد در
نزد عوام و بعضی از خواص کفایت میکند یا خیر تکلیف
متصرف رجوع بمجتهد است و آنهم مختلف و چنین قرار داده
چنانچه تنازع و اختلاف در اعلمیت باشد یا عالم
متقی است که فرع شرعیه بر آمد عالم متقی در بلد بسیار
است تکلیف را بیان فرمائید یا عالم متقی از افراد
اعلم و اتقی است **جواب** علم در هر زمان بعید
نیست از افراد اعلم و اتقی باشد **سؤال** ۲۹۱
ملک جزئی از املاک ثلث در تصرف شخصی است باقی
املاک را ورثه فروخته بغیر مصرف موصی صرف کردند
شخص خارج منافع ملک را جمع نموده چندین سال نگذاشته که

ورثه





ورثه بقیه مصرف برسانند و این شخص هم این منافع را باذن

حاکم شرعی نخواهد در مصارف موصی صرف نماید که

باید تثلیث نماید هر ثلثی مصرف مخصوص دارد که از وجه

وفا نمی کند حسبة لله تعالی محافظت نموده تا وصی اهل

از ورثه هم برسد تسلیم او شود یا میتوان از یکسهم ملحوظ

و بمصرف آن صرف شود باذن حاکم شرعی و بمصرف بقیه محل

لازم نشده بین المحذورین است علی ای لازم است ج

بعید نیست جواز تصرف در یکسهم بملاحظه مرجحی و بر خود ع

بقرعه در تعیین بعید نیست والله تعالی العالم س ۲۹۲

ملکی وقف اولاد بوده بفاصله چند طبقه اولاد فروخته

اند در آخر یکنفر از اولاد او لاسهم خود را نتوانسته

نگاهدارد فروخته فوت شده شخصی را وصی نموده

این شخص وصی علم بوقف و فروش دارد احتمال حمل بفعل

مسلم بر صحت شاید صحیحا فروخته بوجه جواز بکند

وصی



وصی و قیمت آن ملک را از جمله قروض باید موضوع نماید
بعد اخراج ثلث کند یا خیر آیا قیمت اخراج کند همان
اولاد دیگر بدهد که خواهد خرج کرد و ملک دیگر
که وقف کند نخواهد کرد یا تکلیف وصی است با اطلاع
حاکم شرع بمجرد طبقه اولاد که فروخته سهم خود را منقرض شد
در بلاد بعد و زید میت از طبقه اولاد نیست و مسکوت
مال از ثلث تکلیف وصی را بیان فرمایید ج
بعید نیست که از جمله قروض موضوع شود و با اطلاع
حاکم بمجرد سؤال ۲۹۳ دو نفر وصی شخصی هستند
یکی از وصیین وجهی بعنوان قرض برداشته خالف
بمذهب خود وجوهات برداشته و وصی دیگر بعد از این
عمل خائن میدانند یا اعمال دیگر موصی را بدون اذن هم
وصی نماید صحیح است یا لابد باذن همچه خائنی لازم است
عمل نماید جواب بر تقدیر خائن از انضمام کرا یا

جا

جای این اعتقاد هست یا نه خوط اینکه حاکم شرع کسی را
تعیین نماید بدون اطلاع ما اخذ هرج و عمل نماید سؤال ۲۹۴
شخصی از مستحقین زکوة و رد مظالم از قبل سلطان
موظف است حوالجات داده شد که تحویل مالیات حقوق
الناس بر زد او جمع میشود فانی شخص استفاد حقوق
مسلمین که مجهول المالک است بعنوان صدقه نمایند آیا شرعاً
بکند صحیح است یا خیر بعضی میگویند خیر بعضی اشکال
بالنسبة بما لکین یا احتراز لازم است جواب
بلی حاکم شرع خوب است سؤال ۲۳۵ وصی و ناظر
منصوب فوت شدند حاکم تعیین بدل بر اسم باید یا علاوه بر
یا شخص یا حاکم تصرف در ثلث نماید بعد از بردن دو نفر
دیگر چه صورت دارد چنانچه تعدد اشخاص شود از جهتی
احتیاط دارد و از جهتی تعدد اسباب اختلاف و
اختلال امر و تعویق است جواب حاکم مجاز هر یک

[illegible]

شخصی نصب فرماید س ۲۹۶ ماذون از قبل حاکم در
امور شرعیه دیگری را اذن دهد در امر صغار یا موقوفات
یا وصایا اذن دهنده فوت شود حاکم زنده است اذن
واسطه باطل میشود یا چون باذن من له الولایة الشرعیة
بوده خود مستقل بوده فوت او ضرری نیست فقط در
نصب اذن چنانچه بعضی گفته اند هست یا خیر جواب
اگر ماذون در نصب است و نصب کرده معلوم نیست
فوت مضر باشد اینچه نوشته خالی از تامل است چون
مجال تامل نبود اگرچه بعضی از آنها تامل نخواهد ولی
وقت تنگ و مجال کم بادی نظر را نوشتم
والله تعالی الموفق للصواب تمت
اتفق الفراغ من تحریر المسائل
فی السنة والتسعین والمائتین للعبد الحقیر احمد القرشی ۱۳۰۶
بدامیدم نقش قوا حضرت دوست کرد و حشر [illegible] هند

